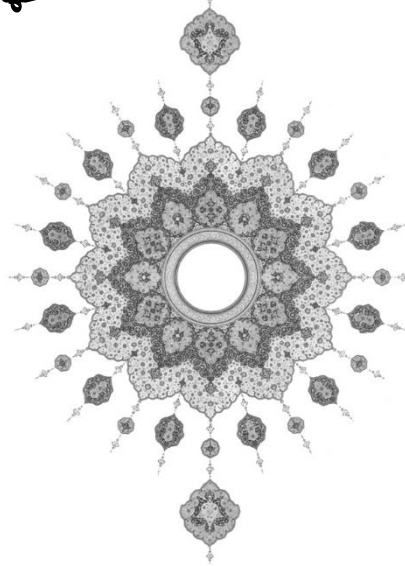


نهم ربیع الاول

(چرای، چستی، چگونگی)

عهدی دوباره با امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف

□ محمد رضایی آدریانی



سرشناسه	: رضایی، محمد، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: نهم ربیع الاول (چرای، چبستی، چگونگی)، عهدی دوباره با امام زمان/ محمد رضایی آدریانی.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰۰۰۹۰۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۸۱] - ۱۸۴ "همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: محمدین حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -
موضوع	: مهدویت
رده بندی کنگره	: ۳۹۳۱ ۹۵۶۵/۲۵/BP۵۱
رده بندی دیویی	: ۹۵۹/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۳۵۶۳۹۶



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

نهم ربیع الاول (چرای، چبستی، چگونگی)، عهدی دوباره با امام زمان

- مؤلف: محمد رضایی آدریانی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۲
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰۰۰۹۰۵
- شمارگان: دو هزار نسخه
- قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهدا/ کوچه آمار (۲۲)/ بن بست شهید علیان/ ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳
- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.mahdi313.com
- www.mahdaviat.ir
- info@mahdaviat.ir

با قدرانی و تشکر از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمد صابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فوادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد)، رضا فریدی (صفحه آرا)، خانم زینب احمدیان (ویراستار) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
حسین احمدی



اللَّهُمَّ أَنْتَ أَجَدُّ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ
عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً

فهرست مطالب

۷	پیش درآمد.....
۱۱	بخش اول: چرایی و مبنای عقلایی و دینیِ عید نهم ربیع الاول.....
۱۳	فصل اول : عید آغازهای ملکوتی چهارده معصوم <small>علیهم السلام</small>
۱۷	سخن پایانی.....
۱۹	فصل دوم: سطوح معنایی آغازهای زندگی معصوم.....
۲۵	سخن پایانی.....
۲۹	فصل سوم: معنای فلسفه تاریخی نهم ربیع الاول.....
۳۱	بخش دوم: چیستی و واقعیت تاریخی نهم ربیع الاول.....
۳۲	فصل اول: شخصیت شناسی امام مهدی <small>علیه السلام</small> در آستانه امامت.....
۳۴	شخصیت معنوی و علمی.....
۳۵	شخصیت عاطفی (اخلاقی و اجتماعی).....
۳۶	شخصیت مدیریتی.....
۳۹	سخن پایانی.....
۴۱	فصل دوم: همه یاوران امام غائب <small>علیه السلام</small> در آغازین روزهای امامت.....
۴۵	احمد بن اسحاق قمی.....
۴۶	ابوالادیان.....
۴۸	مادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>
۵۱	مادر گرامی امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۲	حکیمه خاتون، دختر امام جواد <small>علیه السلام</small>

سخن پایانی.....	۵۴
فصل سوم: شیعه ایرانی از اولین تا آخرین غدیر با چشم انداز آخرین آغاز.....	۵۵
سخن پایانی.....	۶۴
بخش سوم: آداب و فرهنگ عید نهم ربیع الاول.....	۶۷
فصل اول: روز عید ولایت، روز شادی و سرور.....	۶۸
سخن پایانی.....	۷۴
فصل دوم: عید نهم ربیع الاول و شکر نعمت آن.....	۷۵
فصل سوم: فرهنگ جشن و شادی.....	۸۳
فصل چهارم: جشن بیعت، جشن استواری بر انتظار.....	۸۸
سخن پایانی.....	۹۲
دعای عهد.....	۹۴
کتابنامه.....	۹۶

پیش درآمد

نهم ربیع الاول، سال روز آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام بر همه منتظران مبارک باد!

نهم ربیع الاول، در امتداد غدیر و به تعبیری والاتر، خود، غدیری دیگر است. نهم ربیع الاول، مدرکی برای تداوم خط غدیر در جلوه خورشید پس ابر است. نهم ربیع الاول، عید امامت و ولایت است.

نهم ربیع الاول، یادآور روز اکمال دین و اتمام نعمت است.

نهم ربیع الاول، برنامه‌ای الهی برای استمرار غدیر در آئینه امامت است.

نهم ربیع الاول، حاصل بذر غدیر است.

نهم ربیع الاول، روز امامت، روز انتظار، روز ولایت، روز بیعت و پیمان دوباره با امام زمان علیه السلام است.

نهم ربیع الاول، عیدالله اکبر است؛ عید آل محمد علیهم السلام، عید هواداران حق و وفاداران به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام.

نهم ربیع الاول، نشان دادن خورشید به گرفتاران ظلمت است.

نهم ربیع الاول، روز درخشش نور امید در دل مستضعفان مبارک باد!

نهم ربیع الاول، روز تقسیم شکوفه‌های لبخند بر همه منتظران حضرتش

مباک باد!

پاس داشت نهم ربیع الاول، تجدید عهد با حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه است. پس بیاییم برای پاس داشت آخرین غدیر، با احیای فرهنگ تجدید بیعت در هر صبح گاه، به ویژه در صبح گاه نهم ربیع الاول، زمینه پایان بخشیدن به ظلمت را فراهم سازیم.

نهم ربیع الاول، سالروز آغاز امامت امام دوازدهم شیعیان، امام زمان، مهدی موعود عجل الله فرجه است. رویدادی که در سال ۲۶۰ هجری قمری رخ داد و از جهت تاریخی، شباهت فراوانی با بعثت پیامبر اسلام ص و واقعه غدیر خم دارد؛ به گونه‌ای از که می‌توان آن را دوازدهمین و آخرین غدیر امامت و ولایت دانست.

و چون این روز در اهمیت و جایگاه تاریخی، مرتبه‌ای همانند بعثت و غدیر دارد، می‌طلبد که در آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی جوامع شیعی، به این روز به عنوان روز عید و جشن و شادی و سرور، توجهی ویژه شود و حال که این روز به عنوان عید امامت و مهدویت تعطیل رسمی نیست، حداقل همانند عید بعثت و غدیر و سالروز میلاد پیامبر اسلام ص و نیمه شعبان، به عنوان روزی مهم از سوی دولت‌مردان، هیئت‌های مذهبی و اصناف و گروه‌های گوناگون مردمی مورد توجه قرار گرفته و مناسب شأن آن، مورد تکریم و احترام قرار گیرد.

تکریم و پاس داشت این روز، همانند جشن‌های انتظار در نیمه شعبان،

باعث ایجاد فضای امید و نشاط و آینده‌نگری مقدس خواهد شد و بلکه ظرفیت‌ها و استعدادهای این روز برای ایجاد امید و نشاط بیش‌تر از جشن نیمه شعبان است؛ بدان جهت که نیمه شعبان، سال‌روز میلاد امام موعود علیه السلام است و نهم ربیع الاول، سال‌روز آغاز امامت و ولایت ایشان.

فعلیت ولایت و امامت آن امام غائب، تاریخ بشر را نسبت به ظهور نزدیک‌تر ساخته و پاس‌داشت آن در چارچوب مبانی فرهنگ دینی می‌تواند این روز را — که سال‌روز آغاز دوران غیبت نیز هست — به دوران ظهور نزدیک‌تر سازد.

نهم ربیع الاول، نه تنها می‌تواند عیدی مهم برای شیعه باشد، بلکه شایسته‌ترین عید و جشن برای شیعه است؛ درست همان‌گونه که محرم و صفر (عاشورا و اربعین و ۲۸ صفر) محزون‌ترین مناسبت‌های شیعه هستند. چراکه این هفته مصادف با سخت‌ترین مصائب اهل بیت علیهم السلام هم‌چون حمله به خانه اهل بیت علیهم السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و پس از آن، دهه جشن‌ها و شادی‌های نبوی فرا می‌رسد. زیرا روز دهم ربیع الاول، سال‌روز ازدواج پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه کبری علیها السلام است؛ دوازده تا شانزدهم این ماه، سال‌روز ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قبا و مدینه در سفر تاریخی هجرت می‌باشد و ۱۷ ربیع الاول نیز سال‌روز میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام صادق علیه السلام است.

پس نهم ربیع الاول، در مرز دو دوره عزاداری شیعه و دهه جشن‌های نبوی است و می‌تواند نقطه عطف فرهنگی شیعه از حزن مقدس به شادی آسمانی باشد. این اثر — که از معدود آثاری است که به این موضوع در حیطه معارف

مهدوی می‌پردازد — تلاش می‌کند تا به جای مطالب حماسی و احساسی، قرائتی علمی و تحلیلی درون‌دینی از رویداد نهم ربیع الاول ارائه دهد و اهتمام دارد تا رویداد نهم ربیع الاول را از زوایای گوناگون نظری، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مورد بازسناسی قرار دهد؛ تا هم مبانی و خاستگاه این رویداد بررسی شود، هم پاسداشت آن، مورد اثبات و تأکید قرار گیرد و هم در مقام تعریف فرهنگ‌سازی جشن مقدس نهم ربیع‌الاول، مسئولیت‌ها و رسالت‌های شیعیان در قالب آئین‌ها و شعائر فرح‌افزا معرفی گردد و کارکردها و چرایی و چیستی آن شعائر معرفی شود. تا در نهایت دانسته شود که نهم ربیع‌الاول، مهم‌ترین روز در پیوند شیعه مهدی‌باور و امام غائب است و شیعیان نباید از این روز غفلت ورزند.

بدین جهت، این کتاب در سه بخش ارائه می‌گردد:

بخش اول به مبانی پاسداشت نهم ربیع‌الاول از منظر کلامی — عرفانی و مبتنی بر آموزه‌های فطری، قرآنی و شیعی می‌پردازد. بخش دوم، واقعیت تاریخی نهم ربیع‌الاول را در بستر مقایسه آن با آغازهای مقدس پیشین، به مطالعه می‌نشیند.

و در بخش سوم، تلاش شده است که رسالت‌ها و مسئولیت‌های مهدی‌باروان در مواجهه با این روز شناسایی شده و در مقام فرهنگ‌سازی، این روز به عنوان روز عید عهد و پیمان و بیعت معرفی شود.

محمد رضایی آدریانی

بخشی اول:

چرایی و مبنای عقلایی و دینی

عید نهم ربیع الاول

فصل اول :

عید آغازهای ملکوتی چهارده معصوم علیهم السلام

در زندگی ۱۴ معصوم علیهم السلام همواره دو آغاز مهم وجود داشته است؛ یکی آغاز مُلکی، تکوینی و زمینی^۱ و دیگری، آغاز ملکوتی، تشریحی و ولایی. در اولین آغاز، اصل وجود معصوم - به عنوان برترین آفریده حق تعالی - تجلی زمینی پیدا می‌کند و در دومین آغاز، مقام و مرتبه معنوی و معنایی آن معصوم، فعلیت و عینیت می‌یابد. دامنه و گستره اثرگذاری آن تجلی مُلکی و افاضه ملکوتی، منحصر به زمین و زمینی‌ها نیست؛ بلکه اگر وجود عالم موازی اثبات گردد، از آن‌جا که از سان کامل، برترین آفریده الهی و آیت‌الله العظمی و واسطه فیض است، بدیهی است که دامنه اثرگذاری این تجلی‌های دوگانه، تمام عوالم خواهد بود و در هر عالم، اثرات خود را نشان خواهد داد. اگر یک روی داد تاریخی، بستر ساز شادی و سرور برای تمام عوالم مُلک و

۱. واژه هیوط در قرآن به عنوان آغاز زندگی زمینی انسانی است. البته در این واژه، اصل روی داد مهم است، نه زمان آن.

ملکوت شود، به هنگام سال‌گرد آن روی‌داد، مرتبه و درجه‌ای از آن آثار و برکات، تجلی دوباره خواهد یافت. بدین جهت است که در فرهنگ معنوی شیعه، شبی مانند شب مبعث، همواره پرخیر و برکت است؛ چراکه در آن شب، فرشتگان نزولی ویژه بر زمین و زمینیان خواهند داشت و بازتاب حضور ویژه فرشتگان آسمانی، برکت و خیر برای عالم طبیعت - به صورت طبیعی - و عالم انسانی - در صورت برقراری ارتباط - می‌باشد.

از آن‌جا که در فرهنگ دینی، رشد و کمال معنایی و معنوی انسان‌ها مهم‌تر از نجات دنیوی آن‌هاست، آبدیهی است که مناسبت‌های آغازگر ابعاد ملکوتی چهارده معصوم علیهم‌السلام مهم‌ترین مناسبت‌های آغازگر در زندگی بشری است. بدین جهت است که در مکتب و فرهنگ شیعه، دو مناسبت مبعث - به عنوان آغاز دین و رسالت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - و غدیر - به عنوان آغاز فصل امامت و ولایت در دین خاتم - جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱. بر اساس قانونی در فیزیک اثبات می‌شود که هیچ چیز در این عالم از بین نمی‌رود و نشان و اثر آن باقی می‌ماند و بر اساس آن می‌شود با دستگاه‌های پیچیده، گذشته‌ها را بازکاوی کرد یا همانند فایل‌های حذف شده از حافظه کامپیوتر، آن‌ها را ری‌کاوری نمود. پس از آن‌جا که عالم طبیعت، ادامه و امتداد مادی عوالم بالا است، معلوم می‌شود که این خاصیت برای عوالم بالا هم هست و وقتی در لحظه‌ای از زمان، تجلی‌ای رخ دهد، یک چرخه و روند ثابت زمانی هم برای آن ثبت می‌شود؛ همانند نزول مکرر فرشتگان در شب‌های جمعه به کربلا یا نزول مکرر و سالیانه فرشتگان در شب قدر بر ولی معصوم.

۲. ﴿وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾. سوره مائده، آیه ۳۲.

۳. با این معیار، روی‌دادهایی همانند هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها‌السلام به عنوان الگوی خانواده دینی، مناسبت‌های مهمی هستند.

قرآن هم حداقل در دو آیه به این دو آغاز اشاره کرده است:

— آیه ۱۶۴ سوره آل عمران: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛ «خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آن‌ها آیات او را تلاوت می‌کند و آنان را پاک می‌گرداند و به آن‌ها علم کتاب و حقایق حکمت را می‌آموزد».

— آیه ۳ سوره مائده: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ «امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم».

البته در فرهنگ قرآنی، اهمیت و برکت بعثت منحصر در بعثت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست، ولی هیچ بعثتی به اهمیت بعثت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمی‌رسد. هم‌چنان که عید آغاز ولایت و امامت منحصر به غدیر نیست و آغاز امامت همه دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَام اهمیت دارد؛^۱ اما واقعه غدیرخیم، به عنوان آغازگر جریان امامت، از جایگاه معنوی و فرهنگی ویژه‌ای برخوردار است. بدین جهت است که در فرهنگ اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و مکتب تشیع، به

۱. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» سوره نحل، آیه ۳۶.

۲. حتی در منابع اهل سنت هم روایات نبوی درباره دوازده نفر بودن جانشینان پیامبر وجود دارد. رک: *البدایة و النهایة*، ج ۶، ص ۲۴۸؛ *صحیح مسلم*، ج ۶، ص ۴ و *مسند احمد*، ج ۵، ص ۱۰۱.

پاس داشت غدیر، به عنوان مهم‌ترین عید در اسلام، توجه و عنایت ویژه‌ای شده است. در فرهنگ روایی شیعه، چهار عید مهم وجود دارد؛ قربان، فطر، غدیر و جمعه؛ و در این میان، هیچ عیدی به اهمیت عید غدیر نیست.^۱

باز شناسی نوع مواجهه با روی داد غدیر در سیره و فرهنگ سازی تاریخی اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند الگو و راه‌گشای فرهنگ جشن و شادی برای آخرین غدیر (نهم ربیع‌الاول) با شد. بدین جهت در این فصل، نیم‌نگاهی به تعریف عید و فرهنگ شادی در روز عید غدیر از منظر اهل بیت علیهم‌السلام خواهیم داشت.

عید غدیر در فرهنگ معصومین علیهم‌السلام

بنیان‌گذاری جشن عید غدیر به سیره و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همان روز غدیرخم در سال ۱۰ هجری باز می‌گردد؛ چراکه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از خواندن خطبه‌ای مفصل و اعلان ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام، خیمه‌ای ویژه جهت بیعت‌گیری برای امام بر پا کرد. سپس امام را در آن خیمه نشانید، لباس و عمامه‌ای ویژه بر تن آن حضرت کرد و از صحابه خواست که ده نفر، ده نفر، برای بیعت داخل خیمه شوند و حتی زنان مسلمان هم با دست گذاشتن در ظرف آب با امام بیعت کردند.

این در حالی بود که شادی و سرور در چهره مسلمانان دیده می‌شد و

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: بحار الأنوار، ج ۳۷، باب ۵۲، اخبار الغدیر و همان، ج ۹۴، باب ۶۰ فضل یوم الغدیر و صومه.

ح سان بن ثابت در جمع مردم و پیش روی پیامبر ﷺ شعرخوانی می نمود و خداوند هم آیه اکمال^۱ را نازل فرمود.

پس از رحلت پیامبر ﷺ و رخداد جریان سقیفه و تلاش جمعی از صحابه برای غصب خلافت، اگرچه امیرالمؤمنین و اندک یارانش با یادآوری روی داد و بیعت غدیرخم در برابر کودتاگران ایستادند، ولی مهم ترین شخصیتی که پرچم غدیر را در آن روزهای سخت برافراشته نگاه داشت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود که خطاب به صحابه فرمود: «انسیتم قول رسول الله یوم غدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه؟»^۲

سخن پایانی

اگر عاشورا با فرهنگ حزن و ماتمش، جلوه تبری شیعه از جریان باطل است، غدیر نیز با فرهنگ جشن و شادی اش، جلوه تویی شیعه نسبت به جریان حق است. بدیهی است که وقتی سخن از غدیر به میان می آید، منظور، توقف در غدیر نخواهد بود؛ بلکه - همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ۱۸ مورد از خطبه خود به صراحت یا اشاره به دوازده امام علیهم السلام، خصوصاً امام

۱. «الیوم اکملت لکم دینکم...». سوره مائده، آیه ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۵۲؛ اخبار الغدیر، ص ۱۰۸؛ الغدیر، ج ۱، ص ۳۶؛ همان، ج ۱، ص ۵۳۷ و الصحیح من السیره النبوی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۳۱، ص ۱۱۹.

۳. الصحیح من السیره النبوی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۳۲، ص ۸۸ و بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۰۷.

مهدی علیه السلام اشاره کرده است — سخن از احیای عید غدیر به معنی احیای عید توجه و اتصال پیوسته به امامت و ولایت می‌باشد.

از این رو، مخالفان جریان امامت یا شش امامی و هفت امامی‌ها و دیگر فرقه‌های انحرافی، هیچ‌کدام در مسیر پاسداشت سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل نکرده‌اند؛ چراکه تنها راه احیای نبوت، راهی است که از مسیر احیای غدیر در یک ولایت‌پذیری پیوسته و مستمر به غدیر امام دوازدهم علیه السلام می‌رسد.

فصل دوم: سطوح معنایی آغازهای زندگی معصوم

می‌گویند روزی یک شیعه با سنی مناظره می‌کرد و تلاش بسیار می‌نمود تا افضلیت دوازده معصوم علیهم‌السلام و امامت آنان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اثبات نماید. آن شخص سنی به او گفت: «بر فرض که بپذیریم اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام از دیگران افضل هستند، در این صورت باز هم مسأله بی‌فایده یا کم‌فایده خواهد بود؛ چون اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام شخصیت‌هایی تاریخی بوده‌اند که با رحلتشان از این دنیا، فایده و اثرشان هم پایان یافته است».

شیعه پاسخ داد: «بر اساس آیات قرآن و روایات نبوی برای اهل بیت علیهم‌السلام سه مرتبه و مقام اثبات می‌شود که عبارت‌اند از رهبری سیاسی، ولایت تکوینی و مرجعیت علمی.

بر فرض که با رحلت انسان معصوم، دوره رهبری سیاسی و قدرت ولایت تکوینی‌اش تمام شود، ولی مرجعیت علمی او که پایان نیافته است. شما اهل سنت لااقل باید اهل بیت علیهم‌السلام و احادیث و علوم آنها را به عنوان مرجع و منبع فهم قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بپذیرید».

اینک پرسش آن است که به راستی، مراتب اثرگذاری مقام امامت تا کجاست؟ این مقام و منصب‌ها از چه وقت به امام داده می‌شود؟ در آغاز هر

دوره و مرحله از مراحل رشد انسانی هر معصوم، چه مرتبه و مقامی به او داده می‌شود؟

در مقام پاسخ باید گفت: در اندیشه انسان‌شناسی شیعه، هر انسانی مرکب از جسم و روح است. جسم او بر اساس روایات، ریشه در نطفه‌ای دارد که چون از طین (گل چسبنده) در دست شده است، دارای قابلیت و استعداد های جسمانی است و به آن «طینت» می‌گویند. روح او نیز دارای آثار و خواص معنوی و گرایش‌های متعالی است که به آن «فطرت» می‌گویند.

طینت باعث شکل‌گیری صفات و خصوصیات جسمانی است؛ بدین جهت از همان لحظه تشکیل نطفه، خصوصیات و صفات خاصی در انسان شکل می‌گیرد. ولی فطرت، یک اصل وجودی است و باید طی مراتب و مراحل به تکامل برسد.

فطرت همیشه وابسته به روح است؛ بدین جهت لحظه ورودش به بدن آدمی، هم‌زمان با ورود روح به بدن جنین، یعنی در سن چهارماهگی جنینی و پیش از تولد است؛ اما لحظه تجلی و نمود اولیه این فطرت، در زمان تولد

۱. در این زمینه، رک: انسان‌شناسی و مهدویت.

۲. «طینت» چیزی شبیه «ژنتیک» در دانش زیست‌شناسی است؛ با این تفاوت که ژنتیک دانشی فارغ از مباحث هستی‌شناسی است، ولی در بحث طینت، مباحث ژن‌ها و خواص جسمی با مباحث هستی‌شناسی و تقدیر و سرنوشت پیوند می‌خورد. بدین جهت در بحث طینت‌شناسی اثبات می‌شود که طینت و جوهره جسمی انسان کامل از پاک‌ترین و خالص‌ترین گل‌ها ایجاد شده است. یعنی انسان معصوم، هم از جهت گل وجودی‌اش و هم از جهت ارثی و وراثتی، دارای برترین ویژگی‌های جسمانی است.

نوزاد می‌باشد؛ چراکه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «کل مولود یولد علی الفطره؛ اهر نوزادی بر فطرت پاک آسمانی متولد می‌شود». لحظه شکوفایی اولین مرتبه فطرت نیز در هنگام بلوغ است.^۲

مبنتی بر این حقایق وجودی آدمی و در مقام بازشناسی میزان فعلیت یا بالقوه بودن این استعدادها جسمی و روحانی (فطری) می‌بایست بین انسان کامل و انسان کمال جو فرق و تفاوت گذاشت؛ چراکه در کمال جویی در انسان‌های غیرکامل، ریشه در درک حضوری از طینت متوسط و فطرت حداقلی دارد که هر دو به واسطه افعال و کردار آدمی، زمینه تکامل یا سقوط او را فراهم می‌کنند و اصولاً کارکرد دین، رشندهی و تعالی بخشی به طینت و فطرت آدمی است.^۳

ولی در انسان‌های کامل - که همان معصومین هستند - اگرچه اصل وجودی

۱. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲. روند تکامل فطرت در انسان شناسی قرآنی - شیعی چنین است: فطرت از ۴ ماهگی جنینی همراه با روح وارد بدن می‌شود؛ ولی فعال شدنش در لحظه تولد خواهد بود. از همان لحظه تا زمان بلوغ، هماهنگ با مراحل رشد و به موازات رشد حواس، اعضا و جوارح، بسترها برای شکوفایی فطرت نیز فراهم می‌شود تا در لحظه بلوغ، مرتبه حداقلی فطرت در وجود همه انسان‌ها شکوفا شود. از آن پس، اگر آدمی دین‌دار بود و عقل دینی در وجودش شکوفا شد، فطرت، رشد اختیاری می‌یابد؛ وگرنه در همان مرتبه حداقلی خود متوقف خواهد شد.

۳. اگرچه طینت در نگاه دینی، به معنی گل و سرشت خاکی آدمی است و به ظاهر غیر قابل تغییر می‌باشد، ولی وقتی در مجموعه روایی شیعه دقت کنیم، معلوم می‌شود که چون طینت اکثر انسان‌ها مخلوطی از گل‌های خالص و ناخالص است، بدین جهت آدمی زمینه کشیده شدن به هر دو طرف را دارد و مثلاً تغذیه حلال یا حرام زمینه شکوفایی طینت پاک یا طینت ناپاک انسان را فراهم می‌کند.

طینت و فطرت آنان همانند دیگر انسان‌هاست، اما به جهت آن که می‌بایست صلاحیت الگو بودن را پیدا کنند، کیفیت وجودی آن‌ها متفاوت است. کیفیتی که ارتباطی مستقیم با آغازهای مراحل زندگی آدمی هم دارد؛ بدین گونه:^۱

وضعیت وجودی انسان کامل	آغازها
تشکیل بُعد جسمانی از پاک‌ترین نطفه و تبار انسانی	زمان تشکیل نطفه
دمیده شدن روحی که استعدادهای فطری آن بالفعل است ^۲	زمان ورود روح در چهارماهگی جنینی
تولد نوزادی پاک، به دور از هر آلودگی و عیب از جهت جسمی، و از جهت فطری همراه با معرفت و ایمان، به گونه‌ای که در لحظه تولد، شهادتین را بر زبان جاری می‌کند	زمان تولد
رسیدن به بلوغ جسمی همانند دیگر انسان‌ها، با وجود فعلیت محض و متعالی فطرت از همان آغاز تولد ^۳	زمان بلوغ
افاضه مراتب و مقام‌های ملکوتی و معنوی ویژه‌ای که لازمه مقام امامت است	زمان رسیدن به امامت

بر اساس فرهنگ حدیثی شیعه، از سان کامل، ازسانی است که در هیچ مرحله از مراحل خلقت، دارای عیب و نقص نیست و در فرایند رشد، اولین

۱. در این زمینه، رک: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱، ابواب خلقهم و طینتهم و ارواحهم صلوات الله علیهم.

۲. بر اساس فرهنگ روایی شیعه، در حد فاصل افاضه روح تا زمان تولد، جنین می‌تواند با مادرش سخن بگوید یا آن که مادر صدای تسبیح و تقدیس او را بشنود.

۳. در معارف روایی شیعه بیان شده که روند رشد جسمی انسان معصوم نسبت به دیگر انسان‌ها سریع‌تر است تا قوای ادراکی او سریع‌تر آماده وظایف امامت شوند. بلوغ برای معصوم، بیش‌تر از جنبه بلوغ جنسی و برخی کارکردهای جسمی مطرح است، وگرنه روح و فطرت او از کودکی در مرتبه کمال است تا ممانعی برای پذیرفتن منصب امامت در کودکی نباشد.

مرحله از کمالات را همواره و پیوسته دارد؛ نه این که همانند دیگر انسان‌ها از استعداد محض به مراحل اولیه فعلیت برسد. بلکه او از مراتب اولیه کمالات بالفعل، در سیر ملکوتی و غیبی پیوسته به کمالات آسمانی می‌رسد.

بر این اساس، در انسان‌های کمال‌جو، مهم‌ترین مرحله در زندگی، پس از لحظه تولد، زمان بلوغ است؛ چراکه بلوغ، مرحله به فعلیت رسیدن فطرت انسانی آن‌هاست. ولی در امام، به علت بالفعل و شکوفا و کامل بودن جسم و روح و نیز طینت و فطرت، مرحله بلوغ، کارکردی حداقلی می‌یابد. چراکه امام، واجد عصمت و علم غیب است؛ عصمت، پاکی و طهارت پیوسته، و علم غیب، دانش بی‌کران و آگاهی‌های لازمِ ملکی و ملکوتی را به امام می‌دهد. بدین جهت، مهم‌ترین مرحله در زندگی امام به جای مرحله بلوغ، لحظه رسیدن به امامت است.

تا پیش از امامت، امامان علیهم‌السلام چه با علم حضوری و چه با علم اکتسابی، از محضر معصوم پیشین به آمادگی دریافت مقام امامت می‌رسند و معیار و ملاک این آمادگی، تعالی روح و پاکی طینت است؛ نه مراحل رشد جسمانی. بدین جهت ممکن است یکی از معصومین در کودکی به امامت برسد و دیگری در بزرگ سالی به این منصب انتخاب شود. آن‌چه از فرایند رشد در امام مهم است، زمان رسیدن به امامت و تحولی است که در آن زمان در وجود او ایجاد می‌گردد.

در فرهنگ روایی شیعه، ویژگی‌های زمان رسیدن به امامت چنین بیان

شده است:^۱

- کسب حالتی از خضوع و خشوع و فروتنی بسیار ویژه نسبت به خداوند

- آغاز الهام‌های ویژه از سوی پروردگار

- القای تمام معارف و علوم امام پیشین به امام بعد^۲

پس امام هم واجد دانش‌های ح‌ضوری است — که در هنگام امامت به نقطه اوج و کمال می‌رسد — و هم صاحب گنجینه‌ای از دانش‌های مکتوب ماورائی است که در آن، علم اولین و آخرین و دانش‌های غیبی فراوانی موجود است. بدیهی است که لازمه عصمت همیشگی امام معصوم و علم غیبی که در زمان امامت به نقطه اوج خود می‌رسد، اثبات جمیع مراتب و مقام‌های دنیوی و ملکوتی برای امام است که شامل این موارد می‌شود:

- رهبری سیاسی

- مرجعیت علمی

- ولایت تکوینی و واسطه فیض بودن بین حق تعالی و جهان هستی

- ولایت ناظر به مدیریت کلان جهان بشریت به سوی غایت و غرض آفرینش^۳

۱. در این زمینه، رک: بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۹۱، باب ۳ (ان الامام متی یعلم انه امام) و باب ۴ (الوقت الذی يعرف الامام الاخير ما عند الاول).

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «تمام علم نزد امیرالمؤمنین علیه السلام بود و آن علم به امامان بعد هم به همان اندازه ارث می‌رسد». بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۹۵.

۳. این ولایت غیر از ولایت تکوینی است. در ولایت تکوینی، نظام آفرینش در محضر امام است، ولی در این ولایت، در چارچوب افاضه سالیانه مقدرات زمینی و انسانی در شب قدر از آسمان و عرضه اعمال بندگان، هفته‌ای دو مرتبه،

پس لحظه آغاز امامت هر امام، لحظه‌ای بسیار خاص است؛ چراکه در آن لحظه، ضمن انتقال دانش تمام هستی از امام پیشین به امام بعدی، ولایت و راهبری تمام مُلک و ملکوت نیز به امام بعدی منتقل می‌شود. ممکن است لحظه بعثت انبیا یا به امامت رسیدن امامان در نگاه زمینی‌ها فرایندی ساده و نامحسوس باشد، ولی در نگاه ماورائی، آن قدر مهم است که برجسته‌ترین فرشته آسمانی، جبرئیل، در آن حضوری تام و تمام دارد و ابلیس در تمام این لحظه‌های آغازین — که ضربه‌ای است بر تلاش‌های تاریخی او در مسیر توسعه باطل — فریاد و ناله می‌کند.^۱

سخن پایانی

مسأله آغاز امامت و ولایت، متعالی‌ترین فرایندی است که در جهان انسانی رخ می‌دهد و بازتاب آن، شامل تمامی عوالم وجود می‌شود. اگرچه امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام همگی از جهت مقام امامت در یک مرتبه هستند و در لحظه آغاز امامت، مرتبه‌ای یکسان دارند — چراکه فرموده‌اند: «کلّهم نور واحد»^۲

امام به صورت پنهانی جهان را مدیریت می‌کند و جهان بشری را به سوی بهشت زمینی ظهور — که بر محوریت عبودیت و عدالت است — پیش می‌برد. در این مدیریت مُلکی و ملکوتی، مواجهه اصلی او با ابلیس در عالم باطن، و تمامی شیاطین انس در ظاهر می‌باشد.

۱. ابلیس چهار مرتبه ناله سر داد؛ روزی که ملعون شد، روزی که به زمین هبوط کرد، روز معث و روز غدیر. بحار

الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۲۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۳.

ولی به نظر می‌رسد که به خاطر جایگاه و مرتبه امامت و نوع مأموریت تاریخی، اولین و آخرین امام از جایگاه ممتازتری برخوردار هستند.^۱ این حساسیت و اولویت نسبت به اولین و آخرین امامت، در شدت اهتمام و رهبری جبهه حق برای بستر سازی هدایت، و تلاش گسترده سران باطل برای جلوگیری از موفقیت جبهه حق نهفته است. از این رو، ماجرای غدیر خم و نهم ربیع‌الاول، دو عید شاخص در تاریخ امامت هستند.

۱. از جهت مرتبه امامان نسبت به یکدیگر، در روایات آمده است که هر امام از فرزند معصومش به اقتضای مقام پدری افضل است، اگرچه در مقام و مرتبه امامت یکسان هستند. با این وجود، تصریح روایات بر این است که افضل امامان پس از امیرالمؤمنین علیه السلام امام موعود علیه السلام است: «تاسعهم باطنهم و هو ظاهرهم و هو افضلهم و هم قائمهم». *الغیبه*، نعمانی، ص ۶۷

فصل سوم: معنای فلسفه تاریخی نهم ربیع الاول

نقشه راه تاریخ انسان‌ها، از زمان هبوط حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ با مدیریت و هدایت پیامبران آغاز شده و هر پیامبری در کنار تمام هدایتگری‌هایش تأکید کرده است که راه رسیدن به زمین سراسر بهشتی، راهی طولانی است که از مسیر و معبر بشارت به پیامبران بعدی، خصوصاً پیامبر خاتم عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد گذشت.

و البته پیامبر خاتم عَلَيْهِ السَّلَامُ هم تأکید فرموده است که خاتمیت ایشان در نزول دین آسمانی بوده، نه هدایت مردم؛ و پس از نزول دین کامل و جامع و خاتم، نوبت به فرایند تدریجی بسترسازی برای اجرای جهانی این دین خاتم می‌رسد. این جا است که پیامبر بشارت می‌دهد که این فرایند از مسیر تحقق امامت دوازده امام معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خواهد گذشت و تنها امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ است

که سرانجام این اهداف را محقق خواهد ساخت

بدین جهت، همواره در یک نگاه و آرزوی تاریخی مشترک، توجه تمامی پیامبران و اوصیا و پیروان برجسته آنها که به مراتب بالای معرفت و یقین رسیده بودند، به سوی انتظار منجی و موعودی بوده که آخرین وصی پیامبر خاتم و بسترساز جهانی سازی بهشت زمینی از معبر عبودیت و عدالت است. از این رو، امام دوازدهم علیه السلام به عنوان «موعود الامم»^۱ شناخته شده است؛ موعودی که تمامی پیامبران و اوصیای آنها به ولادت، امامت، وصایت و ظهورش بشارت داده‌اند.

می توان گفت: نهم ربیع الاول، درست همانند غدیرخم خواهد بود؛ چرا که در غدیرخم، امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اعلان شد، ولی رسمیت و فعلیت آن به پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم موکول گشت؛ هرچند آن هم هیچ‌گاه محقق نشد، ولی این عدم تحقق تنها به معنی عدم تحقق ولایت سیاسی آن حضرت بود و باقی ولایت‌ها، اعم از ولایت علمی، تکوینی و اجتماعی امام، حداقل برای جامعه حق به تحقق پیوست.

بنابراین، همان‌گونه که تمام عوالم وجود از تفویض مقام امامت در غدیرخم، آن روز را با ابتهاج و سرور و نشاط و شادی جشن می‌گیرد — حتی با وجود آن که اکثر انسان‌ها آمادگی پذیرش آن را نداشتند — نهم ربیع‌الاول هم در مقام آخرین غدیر، جشن آغاز امامت آخرین معصوم است.

۱. «السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يَلْمَ بِهِ الشَّعْتَ». بحار الأنوار، ج ۹۸،

اگرچه آغاز امامت امام موعود، با غیبت از جامعه بشری همراه بود، ولی این غیبت، هیچ‌گاه زمینه خوش‌حالی ابلیس و شیاطین جن و انس پیرو او را فراهم نساخت؛ بلکه آن‌ها را در یک ابهام زمانی از جهت احتمال ظهور آن امام غائب در هر لحظه قرار داده است. این در حالی است که مسأله غیبت امام از جوامع بشری، امکان دسترسی شیاطین انس و جن را نیز به امام موعود به صورت کامل قطع نموده است.^۱

بدین جهت، نهم ربیع‌الاول، عید واقعی خط امامت است؛ چراکه این آغاز به گونه‌ای انجام شد که بر خلاف دیگر آغازها، خطر هجوم و نابودگری ابلیس‌های جنی و انسی را برای همیشه از رهبر معصوم دور کرد و حال آن‌که امام معصوم، در پس پرده غیب، به راهبری و مدیریت خود مشغول است. پس آغاز غیبت، آغاز دوران حیرت ابلیس و ابلیسیان - به سبب ناتوانی از صدمه زدن به امام معصوم - و استواری و صلابت جوامع حق و مسئولیت‌های سنگین خواص شیعیان (نواب خاص و عام) است.

آغاز امامت امام زمان علیه السلام — که یکی از آغازهای زیبا و امیدآفرین و بسیار

۱. چرا که ابلیس بر انسان کامل سلطه‌ای ندارد و قدرت او جز از معبر و سوسه‌گری انسان‌های گمراه علیه انسان کامل نخواهد بود؛ ولی غیبت سد راه دسترسی آن‌ها به امام موعود شده است. بدین جهت دوران غیبت، دوران مواجهه ابلیس و شیاطین جن و انس با جوامع ایمانی است؛ جوامعی که به چنان بلوغ دینی و علمی و ایمانی رسیده‌اند که در جریان پیوسته غیبت و با وجود در اقلیت بودن، نه تنها در برابر تمامی جبهه باطل استواری می‌ورزند، بلکه به تدریج جامعه حق را گسترش داده و پیامش را جهانی می‌سازند.

ویژه است - از منظر تاریخی، دستاوردهای زیر را به همراه داشته است:^۱
- انفعال همیشگی ابلیس و ابلیسیان در برابر رهبری معصوم
- مدیریت غائبانه بشر از سوی امام معصوم به سوی بهشت ظهور
— بسترسازی برای بلوغ تدریجی جامعه حق و مسئولیت‌پذیری تاریخی
آن‌ها برای زمینه‌سازی ظهور^۲

۱. البته این سخن به معنی نفی یا غفلت از حزن غیبت (نشکوا الیک ... غیبة ولینا) نیست؛ ولی در مقام تحلیل تاریخی آن باید نگاهی جامع به ابعاد حزن و شادی این روی داد داشت و همانند عید غدیر از ابعاد شادی و امیدآفرین آن غافل نشد.

۲. این سخن بدین معناست که تا پیش از غیبت، مهم‌ترین تلاش ابلیس معطوف به مهجور و مطرود سازی امام معصوم در جامعه حق و تحریک جامعه باطل علیه ولی معصوم، با هدف حذف فیزیکی رهبری معصوم از جامعه بشری بوده است. ولی تاریخ ولایت ۲۵۰ ساله امامان معصوم علیهم‌السلام باعث پیدایش جامعه شیعه بر محور ایمان و تقوا و علم شد. در آستانه غیبت، این جامعه به چنان بلوغی رسید که آمادگی پذیرش نیابت امام و حفظ و گسترش کمی و کیفی آن را با وجود غیبت امام یافت. با این نگاه، یکی از علل غیبت، تلاش ابلیس و جبهه باطل و اوج هجوم آن‌ها برای نابودی آخرین امام بوده است. ولی غیبت عملاً ابلیس و جبهه باطل را در مقابل امام خلع سلاح نموده؛ از این رو، در زمانه غیبت، تمامی توجه آن‌ها معطوف به جامعه حق شده است. البته در این زمان، جامعه حق به چنان مرزی از بلوغ رسیده که تحت هدایت غائبانه امام معصوم و رهبری نائبان غیرمعصوم اما پاک‌زیست، نه تنها رو به نابودی نمی‌رود، بلکه همواره روندی رو به رشد داشته و خواهد داشت.

پنجمی کوم:

چستی و واقعیت تاریخی

نهم ربيع الاول

فصل اول:

شخصیت‌شناسی امام مهدی علیه السلام در آستانه امامت

تصوری که غالباً از وضعیت امام در آستانه غیبت وجود دارد، کودکی پنج ساله و خوش‌سیماست که دشمنان و مردم عادی اصلاً او را ندیده‌اند و از میان شیعیان هم تنها تعداد اندکی موفق به دیدار او شده‌اند. لذا چون درباره ایشان در آن زمان اطلاعات روشنی وجود ندارد، این‌طور به ذهن می‌آید که شخصیت مشخصی از آن حضرت در آستانه امامت، قابل شناسایی نیست. این در حالی است که برای شخصیت‌شناسی یک فرد، حضور و دیدار بلند مدت نیاز نیست؛ بلکه با دو قرن تجربه امام‌زیستی یا یک دیدار و یک لحظه در محضر امام بودن، می‌توان آسمانی بودن امام و لحظه حضور او را درک کرد. این توفیق را شیعیان آغاز امامت امام دوازدهم علیه السلام نیز دارا بودند و با یک نظر امامشان را شناختند. پس همراه با شیعیان آغازین‌روزهای امامت آن امام، به مهدی‌شناسی می‌پردازیم؛ شناختی که برای هر دوره و هر شیعه‌ای لازم است. این شناخت شامل مورد زیر می‌باشد:

وضعیت جسمانی

امام زمان علیه السلام تنها پنج سال اول عمر شریفش را با پدر بود و در آن مدت،

جز اندکی از شیعیان کسی او را ندید. اطلاعات کسانی که او را دیده‌اند (به غیر از حکیمه خاتون، عثمان بن سعید و خادمان منزل امام که پیوسته ایشان را می‌دیدند) چنین است:^۱

سال اول	خبر مخفیانه تولد امام مهدی <small>علیه السلام</small> به شیعیان عراق (سامرا، بغداد و کوفه) رسید و برخی از آنان در همان سال اول به دیدار امام عسکری و فرزندش <small>علیه السلام</small> آمدند.
سال دوم	یک ایرانی از اهالی فارس به نام عمرو اهوازی مدتی خدمت‌گزار منزل امام شد و به حضور آن امام رسید.
سال سوم	احمد بن اسحاق قمی و سعد بن عبدالله اشعری قمی به دنبال نامه امام عسکری <small>علیه السلام</small> که در آن از میلاد فرزندش خبر داده بود، به دیدار ایشان شتافتند.
سال چهارم	تعداد اندکی همانند کامل بن ابراهیم مدنی در مدینه موفق به دیدار ایشان شدند. (به علت زندانی شدن امام عسکری <small>علیه السلام</small> در اوائل آن سال و فرستادن امام زمان <small>علیه السلام</small> به حج)
سال پنجم	۴۰ نفر از خواص شیعه چند روز پیش از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> در منزل آن حضرت با فرزندش بیعت کردند.

این عده نه تنها از سیمای نیکو و نورانی آن امام سخن گفته‌اند، بلکه از رشد سریع جسمی آن حضرت نسبت به عوام حکایت کرده‌اند و درباره دانش بی‌کران و اطلاع ایشان از غیب و نیز هیبت و وقار آن امام و آرام‌شی که با دیدار آن حضرت نصیبشان شده، سخن گفته‌اند.

۱. در این زمینه، رک: کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵، باب من شاهد القائم و راه و کلمه و الغیبه، طوسی، ص ۲۲۹، فصل الکلام فی ولادة صاحب الزمان.

حتی در ماجرای نماز بر پیکر مطهر امام عسکری علیه السلام هیبت و وقار کودک پنج‌ساله در کنار سرعت عمل، قاطعیت و صلابت او موجب در ماندگی مدعیان از یک سو، و شگفتی شیعیان از سوی دیگر شد تا شیعیان باور کنند که اگر چه امام در کودکی است، ولی توان جسمی او نه تنها همانند انسان‌های بزرگ‌سال، بلکه همانند توان امامان معصوم در بزرگ‌سالی است.^۱

شخصیت معنوی و علمی

بر اساس روایات، هر امامی در آستانه شهادت، میراثی معنوی را که از پیامبران و امامان گذشته نزد خود دارد، به امام بعدی می‌دهد. بنابر روایتی دیگر، این روی داد برای امام زمان علیه السلام در اواخر سال ۲۵۹ هجری قمری رخ داد. زمانی که به دستور امام عسکری علیه السلام مأموریت به حج بردن و سکونت دادن مخفیانه امام مهدی علیه السلام به مادرش سپرده شد و در هنگام وداع، امام عسکری علیه السلام وصایای امامت را به فرزندش سپرد.^۲

از سوی دیگر، بر مبنای روایاتی که دلالت می‌کند پس از شهادت امام پیشین، تمامی دانش‌های او به امام بعدی منتقل می‌شود، معلوم می‌گردد که امام زمان علیه السلام با وجود پنج‌سالگی، وارث دانش آسمانی پیامبران و امامان علیهم‌السلام و میراث‌دار آثار معنوی و ملکوتی آن‌ها (اعم از کتاب‌های آسمانی، عصا،

۱. درباره ویژگی‌های جسمانی آن حضرت نکاتی دیگر نیز وجود دارد؛ همانند زیبایی بسیار، همانند یوسف پیامبر علیه السلام، یا داشتن شمایل جسمانی بنی اسرائیل یا وجود خاتم امامت و وصایت بر شانه ایشان و ...

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۴، باب ذکر من شاهد القائم و راه و کلمه.

لباس و سایر وسایل مقدس آنان) شده بود؛ گذشته از آن که ایشان پیش از امامت نیز نشانه‌هایی از علم غیب خود را به شیعیان نشان داده بود. بر این اساس، مهم‌ترین معیار و ملاک شناخت امام راستین برای شیعیان، به ویژه خواص آنها، آزمایش و مطالبه علم غیب و معجزه است و این، همان چیزی است که افراد اندکی که در آن دوران پنج‌ساله به دیدار آن حضرت نائل شدند، از آن حضرت طلب نمودند و ایشان را همانند پدرانش، واجد عصمت مطلق و دانش غیبی مشاهده کردند، در نتیجه او را به عنوان امام پذیرفتند.

شخصیت عاطفی (اخلاقی و اجتماعی)

شیعیان در طول سال‌ها انس با امامان معصوم علیهم‌السلام آنان را این‌گونه شناخته بودند: انسان‌های کاملی که در اوج بی‌نیازی از مردم، به دنبال هدایت و تعالی انسان‌ها بودند، آنها را بیش‌تر از خودشان دوست می‌داشتند، از پدر و مادر به آنها مهربان‌تر بودند و در نهایت ایثارگری به رشد و پرورش روحانی انسان‌ها می‌پرداختند.

امامان کسانی بودند که برخلاف خلفا یا مدعیان انحرافی که مردم را برای خود و منافع خود می‌خواستند، به فکر هدایت مردم بودند و از آنها در قبال این کار، هیچ چشم‌داشتی نداشتند.

اوج استفاده ابزاری از مردم را در روی دادهای دوران آغازین امامت حضرت مهدی علیه‌السلام می‌توان دید. زیرا در یک‌سو دستگاه خلافت، و در سوی دیگر،

مدعیان امامت، بدون توجه به عواطف مردم، فقط سرسپردگی آنان را در برابر خود می‌خواستند. ولی شیعیان در برخوردهای اندکی که با امام موعود علیه السلام داشتند، نهایت مهر و محبت و رحمت را در سیمای ایشان می‌دیدند که این مسأله باعث آرامش و طمأنینه قلبی آنها می‌شد.

امام از درون آنها آگاه بود (نه برای سوء استفاده از اخبار محرمانه آنها، بلکه جهت رسیدگی به نیازها و مشکلات آنان) و زودتر از عرض حاجت آنها، با مهربانی از ضمیرشان خبر می‌داد و آنها را بر دین حق استوار می‌ساخت. او سختی‌ها و گرفتاری‌های مردم و شیعیان را با عمق وجود درک می‌کرد و با آنها کمال هم‌دردی را داشت و برای رفع گرفتاری‌هایشان دعای خیر می‌کرد.

با وجود آن که دیدارها بسیار کوتاه بود، اما در همان لحظات کوتاه نیز درس‌ها و پیام‌های فراوانی برای شیعیان داشت؛ زیرا امام با مهر فراوان، نیازهای بسیاری را از شیعیان برآورده می‌کرد و به احساسات همه آنها پاسخ می‌داد و چون هدایت و سعادت مردم برای او مهم بود، سعی می‌کرد که لحظه‌های کوتاه دیدارش، تعالی‌بخشی را برای تک‌تک افراد مستعد داشته باشد.

۱. منظور، جعفر فرزند امام هادی علیه السلام است.

۲. حداقل در دو داستان حضور در نماز بر پیکر مطهر امام عسکری علیه السلام و دیدار با قمی‌ها.

شخصیت مدیریتی

گرچه امام مهدی علیه السلام در دوران کودکی به امامت رسید و حضور اجتماعی اش آشکارا نبود، اما در همان حضور اندک روزهای آغازین امامتش، در مواجهه با مسائل، مدیریتی معصومانه داشت؛ مدیریتی که باعث می شد شیعیان در آن زمان با کمترین ریزش وارد دوران غیبت صغری شوند. برای فهم بهتر مدیریت ایشان، لازم است مروری بر وقایع آن زمان داشته باشیم. پس از منتشر شدن خبر بیماری امام، شهر سامرا به سرعت، محل تجمع شیعیان (خواص شیعه از بغداد و کوفه) شد؛ شیعیانی که در جستجوی جانشین امام عسکری علیه السلام بودند. امام در یک مدیریت و واکنش سریع، با بهره‌وری از اندک فرصت‌ها و استفاده از موقعیت اقامه نماز بر پیکر مطهر پدرش — که نشانه‌ای برای امام بعدی بود — مراسم نماز را به جای مسجد سامرا، در منزل پدر اجرا کرد؛ جایی که حضور دشمنان، کم‌رنگ و همراه با غفلت، و حضور شیعیان، پررنگ بود. بدین جهت، مسأله نماز بر پیکر امام عسکری علیه السلام در داخل خانه، تنها فرصتی بود که در اختیار امام قرار داشت و ایشان نهایت استفاده را از آن نمود.

۱. در روایات شیعه، اصلی وجود دارد مبنی بر این که بر پیکر امام معصوم، جز امام معصوم کسی نباید نماز بگذارد. (بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۸، باب آن الإمام لا یفسله و لا یدفنه إلا إمام) بدین جهت حتی در حادثه کربلا یا در ماجرای شهادت امامان در تبعید، همانند امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام یا درباره امام عسکری علیه السلام که در شهری نظامی به شهادت رسید، پیکر مطهر امامان شاهد دو اقامه نماز بود؛ یکی نماز مخفیانه توسط امام معصوم بعدی و دیگری نماز رسمی که توسط دستگاه خلافت برگزار می شد. البته در ماجرای شهادت امام عسکری علیه السلام نماز اول مخفیانه نبود و پیش‌روی شیعیان و جعفر و برخی همراهانش اقامه شد.

پس از آغاز امامت، دوران غیبت صغری شروع شد؛ دورانی که قرار نبود در آن، امام، دیداری با شیعیان داشته باشند. ولی در هفته آغازین امامت، با ورود کاروانی از قمی‌ها به سامرا، ایشان آخرین دیدار رسمی‌اش را با آنان انجام داد. علت اهمیت آن دیدار، بدین جهت است که اکثر افراد حاضر در آن گروه، از خواص شیعیان قم بودند و ایمان یا تردید آن‌ها می‌توانست ایمان یا تردید تمام شیعیان قم را به همراه داشته باشد. لذا امام — همان‌گونه که در ماجرای نماز، باعث طمأنینه شیعیان عراقی شد — در این دیدار، موجبات اطمینان و ثبات قدم شیعیان ایرانی را نیز فراهم کرد.

آغاز امامت آن حضرت با آغاز غیبت صغری همراه بود. امام عسکری علیه السلام برای آغاز این دوران و نیابت عثمان بن سعید، پیشاپیش بسترهای لازم را فراهم کرده بود؛ ولی پس از آغاز امامت امام دوازدهم علیه السلام تعیین نائبان و مدیریت جامعه شیعه در اختیار ایشان قرار گرفت.

در آن سال‌ها اگرچه ۲۶ سال از اقامت عسکریین علیهم السلام در سامرا می‌گذشت و اهل بیت امام زمان علیه السلام (مادر، مادر بزرگ و عمه‌اش حکیمه خاتون) در آنجا ساکن بودند، ولی مرکز اصلی شیعیان در بغداد بود. این در حالی است که جامعه شیعه در آن سال‌ها به طور کلی به دو گروه جامعه شیعه عرب (عراقی) و جامعه شیعه ایرانی (با محوریت قم) تقسیم‌بندی می‌شد.

برای انجام بهتر مسئولیت نیابت توسط نائب اول، عثمان بن سعید — که از نوجوانی ساکن سامرا و سال‌ها در محضر امام هادی و امام عسکری علیه السلام بود و در آن شهر به روغن فروشی اشتغال داشت — مرکز نیابت به بغداد منتقل

گشت و آنجا محل رفت و آمد شیعیان عراق شد. ولی خاندان اهل بیت علیهم السلام در همان سامرا باقی ماندند تا پرچم مزار عسکرین علیهم السلام را برافراشته نگه دارند و راهنمای شیعیانی باشند که در سال‌های آغازین امامت امام دوازدهم علیه السلام بی‌خبر از تحولات جاری به عشق زیارت یا در جستجوی امام غائب علیه السلام و کسب خبری اطمینان‌بخش از ایشان، راهی سامرا می‌شدند. بدین‌گونه، هم سامرا و هم بغداد، پایگاه مدیریت و رهبری خواص شیعیان گردید.

از نکات جالب در زمینه مدیریت اجتماعی آن امام، این است که در آن سال‌ها، احمد بن اسحاق قمی — از برجسته‌ترین علمای شیعه و وکیل امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در قم — به بغداد منتقل، و از مهم‌ترین دستیاران و یاوران نائب اول در دوران نیایش گردید، تا به احتمال زیاد، یاور نائب اول در ارتباط با شیعیان ایرانی باشد.^۱

سخن پایانی

با آغاز امامت امام زمان علیه السلام، مدیریت غائبانه آن حضرت هم شروع شد؛ مدیریتی که با توجه به شخصیت برجسته آن حضرت، ابعاد گوناگونی دارد. امام در آن سال‌ها با وجود آن که کودکی بیش نبود، اما در اوج مرتبه انسانی،

۱. به ویژه که نائب اول در بغداد، در تقیّه‌ای بسیار شدید زندگی می‌کرد و از طریق سه وکیل که یکی از آن‌ها احمد بن اسحاق قمی بود، با شیعیان تماس داشت. در این زمینه، رک: *سازمان وکالت*، ج ۲، ص ۴۵۰ و ۵۴۸: *بحار الأنوار*، ج ۵۱، ص ۳۶۴ و *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام*، ص ۱۲۷ و ۱۴۳ و ۱۴۹.

از جهت جسمی، خانوادگی، اخلاقی، علمی و عبادی قرار داشت. درباره زندگی شخصی آن امام در آغازین روزهای امامتش، این نکته نیز قابل توجه است که پس از ارتحال مادربزرگ، مادر و عمه آن حضرت، ایشان ظاهراً تنها با نواب اربعه در ارتباط بود و از این نظر، مسأله غربت و تنهایی آن امام مطرح می‌شود؛ غربتی که بنا بر روایات شیعی، با حضور حضرت خضر علیه السلام به انس و آرامش می‌رسد؛ چراکه مونس غربت و تنهایی آن امام، حضرت خضر نبی علیه السلام است.^۱

۱. اثبات الهداء، ج ۵، ص ۹۶ و کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹۰.

فصل دوم:

همه یاوران امام غائب علیه السلام در آغازین روزهای امامت

هم‌زمانی آغاز امامت امام زمان علیه السلام و غیبت صغری باعث شد که مسئولیت سنگینی بر دوش خواص شیعه بیفتد. گستردگی، پراکندگی و فراوانی جوامع شیعه، به‌ویژه در دو سرزمین ایران و عراق، بر دشواری و سختی این مأموریت می‌افزود. بدین جهت برای یآوری آن امام، مردان و زنان ویژه‌ای انتخاب شدند تا اولین نسل از شیعیانی باشند که پرچم یآوری امام غائب علیه السلام را برمی‌افرازند.

اینک در مقام الگوگیری از آنان، به صورت کوتاه با شخصیت و چگونگی مأموریت آن افراد آشنا می‌شویم:

یاوران دوران آغاز امامت

مردان	زنان
عثمان بن سعید	مادر امام عسکری <small>علیه السلام</small>
احمد بن اسحاق قمی	مادر امام زمان <small>علیه السلام</small> (با یکی از کنیزان امام)
ابوالادیان	حکیمه خاتون

عثمان بن سعید

ایشان از قبله بنی‌اسد، و از نوجوانی (یازده سالگی) در خدمت امام هادی علیه السلام و تربیت شده ایشان بود؛ تا جایی که شاگرد اول آن امام در دانش، مدیریت، تدبیر، ایمان و تقوا محسوب می‌شد. پس از تبعید امام هادی علیه السلام از مدینه به سامرا، او در پوشش شغل روغن‌فروشی ساکن سامرا شد و به تدریج وکیل اول آن امام و رابط ایشان و شیعیان گردید. با اوج‌گیری فشارها، امام هادی علیه السلام بارها او و فرزند جوانش، محمد را — که ادامه‌دهنده راه پدر و آینه تمام‌نمای او بود — به عنوان وکیل خود، به نمایندگان و اهل دانش مورد اعتماد معرفی نمود.

عثمان بن سعید پس از شهادت امام هادی علیه السلام و در تمامی دوران شش ساله امامت امام عسکری علیه السلام، پس از امام، شخصیت دوم شیعه بود و به طور پنهانی در سامرا رابط امام و شیعیان بود.

در تمام روی‌دادهای پس از تولد امام مهدی علیه السلام از معرفی آن امام به شیعیان تا مسائل هم‌زمان با آغاز امامت آن حضرت، مدیریت آشکار جامعه شیعه به عهده او بود. امام عسکری علیه السلام مأموریت او به عنوان نایب اول امام زمان علیه السلام را بارها به شیعیان خبر داده بود.

وی چند ماه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در سامرا ماند تا به مدیریت مسائل شیعه بپردازد؛ آن‌گاه برای همیشه به بغداد منتقل شد و بنیان سازمان نیابت خاص در تقیه‌ای شدید پایه‌گذاری کرد. به علت رفتار تقیه‌آمیز او در آغازین سال‌های غیبت صغری، زوایای چندانی از زندگی و مدیریت او آشکار نیست.

مدت نیابت او را دو تا چهار سال گفته‌اند. مهم‌ترین دستاورد دوران نیابت

او، ایجاد پایگاه اصلی شیعه در بغداد،^۱ جلوگیری از انتشار نام امام مهدی علیه السلام در میان شیعیان، جلوگیری از انتشار خبر تولد امام در جامعه غیر شیعی - خصوصاً در مکان‌هایی که دستگاه خلافت حضور فعال داشت - و اهتمام به حفظ وحدت جامعه شیعه بود.^۲

احمد بن اسحاق قمی

ایشان از خاندان اشعری بود که پایه‌گذار شهر شیعی قم بودند. بیش‌تر جوانان خاندان اشعری، به حفظ حدیث و معارف امامان معصوم علیهم السلام اشتغال داشتند که در آن میان، احمد، از کوشاترین افراد بود. او در جوانی، شاگرد امام جواد علیه السلام بود. اوج دوران تحصیلش در دوران امامت امام هادی علیه السلام گذشت و در اواخر دوره امامت همان امام به وکالت و نمایندگی امام در شهر قم رسید.

وی در دوران امامت امام عسکری علیه السلام نیز وکیل امام در امور موقوفات قم و از خواص و بزرگان شیعیان آن‌جا بود.

در روی‌دادهای مهدوی حضور او را در موارد زیر می‌توان دید:

امام عسکری علیه السلام به قم نامه می‌نویسد و خبر میلاد فرزندش را به شیعیان

۱. بغداد در آن سال‌ها پایتخت جهان اسلام بود و اگرچه جمعیت آن را بیش‌تر اهل سنت تشکیل می‌دادند، اما اقلیت شیعه این شهر، نسبت به جمعیت شیعه در دو شهر کوفه و قم و مناطق دیگر، بیش‌تر بود و اکثر علمای شیعه نیز در این شهر ساکن بودند. در آن سال‌ها مهم‌ترین مدرسه علمی شیعه در میان مدرسه‌های سه‌گانه کوفه، قم و بغداد، مدرسه علمی بغداد بود.

۲. سازمان وکالت، ج ۲، ص ۴۵۰.

آن جا می رساند. مخاطب نامه، احمد بن اسحاق است و مأموریت می یابد که خبر میلاد را مخفیانه به شیعیان برساند.

او سه سال بعد، همراه جمع اندکی از خواص، راهی سامرا می شود و ضمن توفیق دیدار امام زمان علیه السلام و بیعت با ایشان، به امام عسکری علیه السلام خبر می دهد که تمام قمی ها خبر میلاد را شنیده و از آن شادمان هستند.

به هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز امامت امام زمان علیه السلام کاروانی از قم به سامرا می رود که احمد همراه آنان نیست؛ ولی به احتمال زیاد، او — به عنوان وکیل امام — آن ها را به سامرا فرستاده است. پس از بازگشت آن ها نیز او پرچم دار امامت امام زمان علیه السلام در قم و ایران است.

با آغاز غیبت صغری و شروع نیابت عثمان بن سعید، خیلی زود احمد بن اسحاق به بغداد هجرت می کند و احتمالاً تا پایان دوران نیابت نائب اول، به عنوان مهم ترین یار، به او کمک می نماید.

ابن اسحاق در کهنه سالی از امام اجازه می گیرد که از مسیر حج به ایران و قم بازگردد؛ اما در منطقه ای از مناطق غربی ایران بیمار گشته و در همان جا رحلت می کند. او را با کفنی که پیکری از سوی امام زمان علیه السلام برایش می آورد، در همان شهر به خاک می سپارند.^۱

ابوالادیان

او یکی از خادمان منزل امام عسکری علیه السلام بوده است؛ اما تفاوتی که با دیگر

۱. مرقد او هم اینک در سرپل ذهاب در استان کرمانشاه قرار دارد. *سازمان وکالت*، ج ۲، ص ۵۴۸.

خادمان دا شته، این بوده که در محضر آن امام از جهت علمی و اجتماعی و مدیریتی به چنان رشدی دست یافته که گه‌گاه مأموریت‌های مخفی و مهمی از سوی امام به او محول می‌شده است. آخرین مأموریت او پانزده روز پیش از شهادت امام بوده است. در آن مأموریت، دو وظیفه به عهده او گذارده شد؛ یکی رساندن نامه‌های امام به مدائن و اطراف آن، و دیگری نقشی که در بازگشت به سامرا باید ایفا می‌نمود و با نشانه‌های سه‌گانه خاصی، جانشین امام را شناخته و به دیگر شیعیان معرفی نماید. این ماجرا را خود او چنین بیان کرده است:^۱

من خدمت‌کار امام حسن علیه السلام بودم و نامه‌های او را به شهرها می‌بردم. در آن بیماری که از اثر مسمومیت بود و منجر به شهادت مولایم شد، نامه‌هایی نوشت و فرمود: «آن‌ها را به مدائن برسان. چهارده روز آن‌جا خواهی بود و روز پانزدهم وارد سامرا خواهی شد و از سرای من صدای واویلا خواهی شنید و مرا در مغتسل خواهی یافت». عرض کردم: «ای آقای من! چون این امر واقع شود، امام و جانشین شما که خواهد بود؟» فرمود: «هر کس پاسخ نامه‌های مرا از تو مطالبه کرد، همو قائم پس از من خواهد بود». گفتم: «دیگر چه؟» فرمود: «کسی که بر من نماز بخواند، همو قائم پس از من خواهد بود». گفتم: «دیگر چه؟» فرمود: «کسی که خبر دهد در آن همیان چیست، همو قائم پس از من خواهد بود». و هیبت او مانع شد که از او

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۷۲.

بپرسم در آن همیان چیست؟

نامه‌ها را به مدائن بردم و جواب آن‌ها را گرفتم و همان‌گونه که فرموده بود روز پانزدهم به سامرا در آمدم و به ناگاه صدای واویلا از سرای او شنیدم و او را بر مغتسل یافتیم. برادرش جعفر بن علی را بر در سرا و شیعیان را بر در خانه‌اش دیدم که وی را به مرگ برادر، تسلیت و بر امامت تبریک می‌گفتند. با خود گفتم: «اگر این امام است که امامت باطل خواهد شد»، زیرا می‌دانستم که او شراب می‌نوشد و در کاخ قمار می‌کند و تار می‌زند. پیش رفتم و تبریک و تسلیت گفتم. او از من چیزی نپرسید. آن‌گاه عقید (خادم) بیرون آمد و گفت: «ای آقای من! برادرت کفن شده است، برخیز و بر وی نماز گزار!» جعفر بن علی داخل شد و بعضی از شیعیان، چون سمان و حسن بن علی — که معتصم او را کشت و به سلمه معروف بود — در اطراف وی بودند.

چون به سرا در آمدیم حسن بن علی علیه السلام را کفن شده بر تابوت دیدم. جعفر بن علی پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد؛ اما چون خواست تکبیر گوید، کودکی گندم‌گون با گیسوانی مجعد و دندان‌های پیوسته بیرون آمد و ردای جعفر را گرفت و گفت: «ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم». و جعفر با چهره‌ای رنگ پریده و زرد، عقب رفت.

آن کودک پیش آمد و بر او نماز گزارد؛ سپس حسن بن علی علیه السلام در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپرده شد. آن‌گاه کودک گفت: «ای بصری! جواب نامه‌هایی را که همراه تو ست بیاور». آن‌ها را به او دادم و با خود گفتم: «این

دو نشانه! فقط همیان باقی ماند». آنگاه نزد جعفر بن علی رفتیم، در حالی که او آه می کشید. حاجز و شاء به او گفت: «ای آقای من! آن کودک کیست تا بر او اقامه حجت کنیم؟» گفت: «به خدا سوگند، هرگز او را ندیده‌ام و او را نمی‌شناسم».

ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از حسن بن علی علیه السلام پرسش کردند و فهمیدند که او در گذشته است و گفتند: «به چه کسی تسلیت بگوییم؟» مردم به جعفر بن علی اشاره کردند. آن‌ها بر او سلام کردند و به او تبریک و تسلیت گفتند و گفتند: «همراه ما نامه‌ها و اموالی است، بگو نامه‌ها از کیست و اموال چقدر است؟» جعفر در حالی که جامه خود را تکان می‌داد، برخاست و گفت: «آیا از ما علم غیب می‌خواهید؟» در این حال، خادم از خانه بیرون آمد و گفت: «نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماس است؛ به علاوه همیانی که درون آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است». آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: «آن که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده، امام است».

جعفر بن علی نزد معتمد عباسی رفت و ماجرای آن کودک را گزارش داد. معتمد، کارگزاران خود را فرستاد و صقیل جاریه را گرفتند و از وی آن کودک را مطالبه کردند. صقیل منکر او شد و مدعی شد که باردار است تا به این وسیله، کودک را از نظر آن‌ها مخفی سازد. وی را به ابن الشَّوارب قاضی سپردند؛ اما مرگ ناگهانی عبیدالله بن یحیی بن خاقان و شورش صاحبزنج در بصره پیش آمد. از این رو، از آن کنیز غافل شدند و او از دست آن‌ها

گریخت».^۱

مادر امام عسکری علیه السلام

ایشان کنیزی پاک و شایسته از سرزمین نوبه یا مغرب (شمال آفریقا) بود. برای ایشان نام‌های متعددی همانند «حدیث» و «سوسن» گفته شده است. ایشان در سنین جوانی به همسری امام هادی علیه السلام درآمد و ثمره این پیوند آسمانی، میلاد امام عسکری علیه السلام در مدینه به سال ۲۳۲ هجری قمری بود. ایشان در سال ۲۳۴ هجری، به همراه همسر به سامرا تبعید شد و از آن پس، به مدت ۲۰ سال، بهره فراوانی از ایمان و علم و تقوا به دست آورد؛ به گونه‌ای که پس از شهادت امام هادی علیه السلام و در دوران شش ساله امامت امام عسکری علیه السلام نقش و جایگاه ویژه‌ای یافت.

ایشان پس از تولد امام زمان علیه السلام که گاه مسئول نگهداری از نوه‌اش می‌شد. در سال ۲۵۹ هجری به دستور امام عسکری علیه السلام برای چند ماه، نوه چهار ساله خود را به حجاز برد و پس از مراسم حج در آنجا ساکن شد. در آستانه شهادت امام عسکری علیه السلام به سامرا بازگشت و در زمانی که جعفر، برادر امام عسکری علیه السلام - با ادعای امامت و این که تنها وارث آن امام شهید است - ابزار دست خلیفه شده بود تا به تشیع ضربه‌ای تاریخی بزند، این بانو بر سر میراث امام با جعفر به مقابله پرداخت و نقشه‌های او را در ادعای امامت و وراثت امام حسن عسکری علیه السلام خنثی ساخت.

۱. ترجمه کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۲۶.

ایشان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام در منزل آن امام ساکن شد و به واسطه کمالات و دانش و تقوایی که داشت، مرجع علمی موقت شیعیان در آغاز غیبت صغری گشت؛ چراکه امام عسکری علیه السلام به هنگام شهادت، از روی تقیه، او را تنها وصی اموال و میراث خود قرار داده بود.

آن بانو هم‌زمان با هجرت عثمان بن سعید و پنهان‌زیستی او در بغداد، همانند حضرت زینب علیها السلام — که در دوران اسارت محل مراجعه مردم برای پاسخ‌گویی به سؤالات دینی‌شان بود — در سامرا محل رجوع شیعیان و پاسخگوی مسائل آنان بود. ایشان سرانجام در سامرا رحلت کرد و به خاک سپرده شد.^۱

مادر گرامی امام زمان علیه السلام

مادر آخرین امام، بانویی پاک‌زیست و شایسته بود که در پوشش کنیزی به خانه اهل بیت علیهم السلام راه یافت. او در دوران زندگانی امام هادی علیه السلام به منزل ایشان آمد و به توصیه آن امام، حکیمه خاتون علیها السلام مسئولیت تعلیم و رشد ایمانی و اخلاقی او را عهده‌دار شد. ایشان کمی پس از شهادت امام هادی علیه السلام، به واسطه تقیه شدید، به عنوان کنیز به منزل امام عسکری علیه السلام منتقل شد و شرف همسری ایشان را یافت.

اگرچه در روایتی، رحلت ایشان پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام گزارش شده، اما در گزارش‌های دیگر نقل شده که ایشان پس از شهادت امام

۱. در این زمینه، رک: موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹ و موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، ج ۱، ص ۵۱.

عسکری علیه السلام زنده بوده و حتی برای منحرف ساختن تصور خلافت عباسی درباره فرزندش، خود را باردار نشان داد و با این کار، اگرچه نزدیک به دو سال در خانه خلیفه، وزیر و قاضی وقت، تحت نظر بانوان آنها قرار گرفت، اما توانست از فشار دشمنان بر منزل امام بکاهد.

ایشان پس از گذشت دو سال، به واسطه رخ دادن آشوب‌هایی که شیعیان آن را طرح‌ریزی کرده بودند، از حصر دربار نجات یافت. مدتی پنهان زیست تا آن که رحلت نمود و در جوار همسر مطهرش علیه السلام به خاک سپرده شد.^۱

حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام

آن بانو، دختر امام جواد، خواهر امام هادی و عمه امام عسکری علیه السلام بود و آخرین بانوی برجسته و تربیت یافته اهل بیت علیهم السلام در دوران امامان محسوب می‌شود. ایشان در اواخر دوران حضور و آغاز دوران غیبت صغری، به مدت نیم قرن از سرشناس‌ترین بانوان اهل بیت علیهم السلام بود. او در مدینه زاده شد و بعد از شهادت پدر، نزد برادرش، امام هادی علیه السلام تربیت یافت. ایشان با یکی از علویان، به نام ابوالحسن محدث که نسب او با پنج واسطه به امام سجاد علیه السلام می‌رسید ازدواج کرد. پیوند این خانواده با امامان تا جایی بود که پس از تبعید امام هادی و امام عسکری علیهم السلام به سامرا، آنان نیز تمامی سختی زندگی در سامرا را به جان خریدند و بدان‌جا نقل مکان کردند تا نزدیک امام زمان خود باشند.

۱. رک: موسوعة الإمام العسکری علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹.

پس از آن، حکیمه خاتون علیها السلام مسئول تربیت کنیزان و بانوان خانه امام می‌شود. آن بانو، زمینه‌ساز ازدواج نرجس خاتون علیها السلام با امام عسکری علیه السلام شد و در هنگام میلاد امام موعود علیه السلام نیز تنها محرم راز و یاور نرجس خاتون علیها السلام بود.

ایشان پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، ۱۹ سال زندگی کرد و در آن مدت، نقشی زینب‌گونه داشت؛ چراکه در شرایطی که نایب اول در بغداد در تقیه شدید بود، وی در سامرا به صورت پنهانی، راوی داستان میلاد و مبلغ امامت امام موعود علیه السلام بود. ایشان سرانجام در سن ۶۹ سالگی و در سال ۲۷۴ هجری قمری رحلت نمود و در جوار مزار امامان سامرا علیهم السلام دفن شد.^۱

سخن پایانی

روزهای آغازین امامت امام زمان علیه السلام نه تنها شروع غیبت صغری است، بلکه زمان تقیه حفاظتی بسیار شدید نایب اول نیز هست. در این شرایط - که بسیار شبیه به زمانه پس از عاشورا و دوران امامت امام سجاد علیه السلام در اسارت بود - خواص برجسته و موثری اعم از مرد و زن برای حفظ دین به صحنه آمدند و هر کدام به فراخور استعداد و توانمندی خود، به گونه‌ای امام را در حفظ هویت و اتحاد جامعه شیعه یاری کردند.

در آن دوران، رهبری اصلی با نایب اول بود؛ ولی در یک برنامه‌ریزی و تقسیم کار حساب شده، تلاش شد تا در دو منطقه مهم بغداد و سامرا، همه

۱. همان، ص ۱۲۰.

بسترها برای هدایت شیعیان و شبهه‌زدایی فراهم گردد. در آن زمانه سخت -
که برخی احتمال ایجاد فرقه و ریزش‌های فراوان می‌دادند و فتنه‌گری
دستگاه خلافت و مدعیان انحرافی زیاد بود - مدیریت و تدبیر امام غائب علیه السلام
و فعالیت‌های هوشمندانانه خواص، موجب شد که شیعه از آن دوران با
کم‌ترین آسیب و ریزش عبور شد.

فصل سوم: شیعه ایرانی از اولین تا آخرین غدیر با چشم انداز آخرین آغاز (ظهور)

اسلام، دینی جهانی برای هدایت و سعادت تمام انسان‌هاست. در این دین، نژاد و رنگ و زبان، شرافتی ندارد و ارزش انسان‌ها به تقوای آن‌هاست؛ ولی در عین حال، بر حسب استعدادها و توانمندی‌های هر فرد، برای او مسئولیتی تعریف کرده و هر چه استعداد و نعمت‌های فردی و اجتماعی افراد بیش‌تر باشد، مسئولیت و تکلیف آن‌ها را سنگین‌تر می‌کند.

همان‌گونه که از نگاه دینی، به هر میزان که ثروت و دارایی اقتصادی فردی بیشتر باشد، مسئولیت‌ها و تعهداتش افزون می‌گردد، اگر جامعه یا جغرافیایی دارای استعداد و ظرفیت بیشتری باشد، مسئولیت بیش‌تری خواهد داشت.

از این منظر است که عنوان «مسلمان ایرانی» و بلکه «شیعه ایرانی» معنا می‌یابد؛ عنوانی که ریشه آن در روایت نبوی و پیشگویی‌های آن حضرت درباره ایران و ایرانیان (از منظر فرهنگ و تمدن، نه نژاد و قومیت) می‌باشد.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۳.

جالب است که بدانیم بستر ساز این پیش‌بینی‌ها و آینده‌نگری‌ها، حضور آگاهانه و پرتلاش سلمان فارسی در جوار پیامبر ﷺ به مدت یک دهه (از ورود پیامبر ﷺ به مدینه تا رحلت ایشان) بوده است؛ سلمانی که با سعی و تلاش به مرتبه «سلمان محمدی» و مدال افتخار «سلمان منّا اهل‌البیت» نائل شد. معرفت، محبت و مودت سلمان بدان‌جا رسید که شاید بتوان ادعا کرد که او خالصانه‌ترین و محکم‌ترین بیعت با امیرالمؤمنین علیؑ را در غدیر خم انجام داد.

دست‌آورد حضور با شکوه سلمان در کنار پیامبر خاتم ﷺ و اولین امام علیؑ برای آیندگان سرزمینش، آیه ۵۴ سوره مائده بود:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مِنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴾؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [آنان] با مؤمنان، فروتن و بر کافران سرفرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند. این فضل خداست؛ آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایش‌گر داناست.»

منابع تفسیری شیعی و سنی، ذیل این آیه تصریح کرده‌اند که پیامبر ﷺ

۱. در این زمینه، رک: سلمان فارسی، الگوی زندگی مهدوی.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۱۸۹.

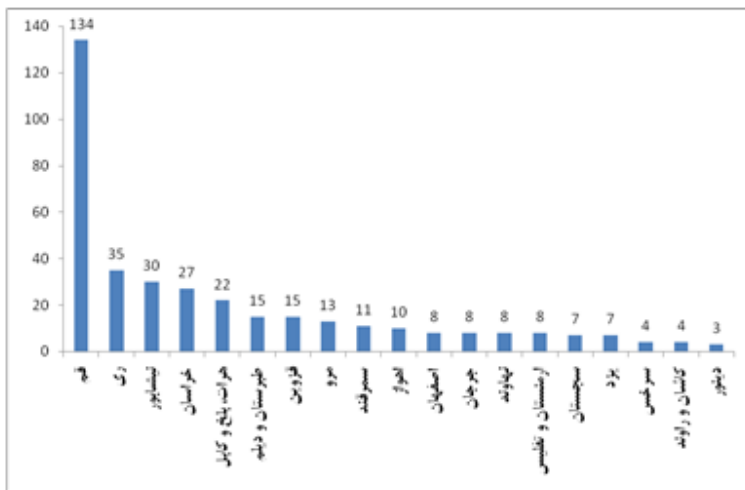
در مقام معرفی روشن‌ترین مصداق آیه، به مردمی از سرزمین سلمان اشاره کرده است.^۱ بدین جهت است که خط خلافت در حد فاصل زمان سقیفه تا عاشورا تلاش می‌کرد که بین ایران فتح شده و اهل بیت علیهم‌السلام فاصله بیندازد، شاید که آن پیش‌بینی محقق نشود و جریان حق همواره مهجور و غریب بماند.^۲

ولی امامان معصوم علیهم‌السلام پس از عاشورا و بر بستر ارزش‌های آن، شروع به برنامه‌ریزی برای گسترش مکتب تشیع در ایران کردند. هجرت قبائل شیعی عرب — هم‌چون اشعری‌ها — به ایران، هجرت امام رضا علیه‌السلام به شرق ایران، هجرت حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام برای دیدار با برادر، هجرت امامزادگان برجسته و... باعث شد که به تدریج بذر تشیع در جای جای ایران افشاندن شود؛ به گونه‌ای که از زمان امام صادق علیه‌السلام به بعد، شاهد رفت‌وآمد روزافزون استعدادهای ایرانی به مدرسه اهل بیت علیهم‌السلام هستیم. از آن پس در کنار رشد تدریجی اما سریع شیعیان ایرانی و یاران برجسته امامان، شهر قم، خیلی زود

۱. به عنوان نمونه، رک: *المیزان*، ج ۵، ص ۳۸۸، ذیل این آیه.

۲. از جهت انسان‌شناسی جغرافیایی — تاریخی، باید بدانیم که اسلام علی‌رغم فتوحات و پیش‌روی‌های گسترده، پشت دروازه اکثر تمدن‌ها متوقف شد و نتوانست تمدن‌های اروپای غربی (روم بیزانس به عمر ۵ قرن)، چین و هند را تصرف کند. خاستگاه اصلی اسلام جغرافیای عرب بود که نه تنها ریشه تمدنی محکمی نداشت، بلکه به جاهلیت شناخته می‌شد. تنها تمدنی که کاملاً اسلام را پذیرفت، تمدن و فرهنگ ایرانی بود. این تمدن بعدها هم به تسنن و هم به تشیع خدمات بسیاری نمود. طبق پیش‌بینی‌های نبوی قرار بود که این تمدن در خدمت دین حق قرار گیرد، ولی خلفا آن را برنمی‌تافتند و برنامه‌ریزی آن‌ها تحقق این پیش‌بینی را به تأخیر انداخت. درباره خدمات ایرانیان به اسلام و جایگاه تاریخی و جغرافیایی آن، رک: *خدمات متقابل ایران و اسلام و انسان‌شناسی و مهدویت*.

تبدیل به یکی از مدرسه‌های علمی شیعی در آن زمان شد. در نقشه زیر (که در کتاب *اطلس شیعه آمده است*)^۱ پراکندگی علمای شیعه در ایران به وضوح مشخص است: در این شرایط است که در روی داده‌های حد فاصل تولد تا آغاز امامت امام



مهدی علیه السلام در شهر شیعه‌نشین قم، شاهد موارد زیر هستیم: — نامه ویژه امام عسکری علیه السلام به شیعیان قم، جهت اطلاع آنان از ولادت امام زمان علیه السلام

– سفر احمد بن اسحاق با جمعی از خواص به سامرا — مکاتبه امام عسکری علیه السلام با ابن بابویه قمی، یکی از علمای جوان و برجسته قم (پدر شیخ صدوق)

۱. *اطلس شیعه*، ص ۱۰.

— سفر کاروانی از خواص قم (و برخی مناطق غربی ایران) به سامرا و ورود آن‌ها به شهر، هم‌زمان با آغاز امامت امام زمان علیه السلام و دیدار آن حضرت با آنان اگر به همین مورد اخیر توجه شود، شدت علاقه و توجه اهل‌بیت، به ویژه امام غائب علیه السلام نسبت به شیعیان ایرانی روشن می‌شود. گزارش مفصل این روی‌داد چنین است:

علی بن‌سنان موصلی گوید: پدرم گفت: «چون آقای ما ابومحمد، حسن بن‌علی علیه السلام در گذشت، از قم و بلاد کوهستان (مناطق غربی ایران) نمایندگانی که معمولاً وجوه و اموال را می‌آوردند، جمع شدند و قصد سامرا کردند. ما خبر از درگذشت امام حسن علیه السلام نداشتیم و چون به سامرا رسیدیم از امام حسن علیه السلام پرسش کردیم. به ما گفتند که وفات کرده است. اهل کاروان گفتند: «وارث او کیست؟» گفتند: «برادرش، جعفر بن‌علی». آنگاه از او پرسش کردند، گفتند که او برای تفریح بیرون رفته و سوار زورقی شده است، شراب می‌نوشد و همراه او خوانندگانی هم هستند! اهل کاروان با یک‌دیگر مشورت کردند و گفتند: «این‌ها از اوصاف امام نیست»، و بعضی از آن‌ها می‌گفتند: «بازگردیم و این اموال را به صاحبانشان برگردانیم».

در آن میان ابوالعباس محمد بن‌جعفر حمیری قمی گفت: «بمانید تا این مرد بازگردد و او را به درستی بیازماییم». چون بازگشت به حضور وی رفتیم و بر او سلام کردیم و گفتیم: «ای آقای ما! ما از اهل قم هستیم و گروهی از شیعیان و دیگران، همراه ما هستند و ما نزد آقای خود، ابومحمد حسن بن‌علی اموالی را می‌آوردیم». گفت: «آن اموال کجاست؟» گفتیم: «همراه

ماست». گفت: «آن‌ها را به نزد من آورید». گفتیم: «این اموال داستان جالبی دارد». گفت: «آن داستان چیست؟» گفتیم: «این اموال از عموم شیعه یک دینار و دو دینار گردآوری می‌شود، سپس همه را در کیه‌سهای می‌ریزند و بر آن مهر می‌کنند و چون این اموال را نزد آقای خود ابومحمد علیه السلام می‌آوردیم، می‌فرمود که همه آن‌ها چند دینار است و هر کس چند دینار داده است و نام همه آن‌ها را می‌گفت و نقش مهرها را هم می‌فرمود». جعفر گفت: «دروغ می‌گویید. شما به برادرم چیزی را نسبت می‌دهید که انجام نمی‌داد. این علم غیب است و کسی جز خدا آن را نمی‌داند».

اهل کاروان چون کلام جعفر را شنیدند، به یک دیگر نگریستند. جعفر گفت: «آن مال را نزد من آورید». گفتیم: «ما مردمی اجیر و وکیل صاحبان این مال هستیم و آن را تسلیم نمی‌کنیم مگر به همان علامتی که از آقای خود حسن بن علی می‌دانیم. اگر تو امام هستی، بر ما روشن کن و الا آن را به صاحبانش بر می‌گردانیم تا هر کاری که صلاح می‌دانند بکنند».

جعفر به نزد خلیفه - که در آن روز در سامرا بود - رفت و علیه ما شکایت کرد. خلیفه ما را احضار نمود و گفت: «آن مال را به جعفر تسلیم کنید». گفتیم: «خدا امیرالمؤمنین را به صلاح آورد، ما گروهی اجیر و وکیل این اموال هستیم و آن‌ها سپرده مردمانی است و به ما گفته‌اند که آن را جز با علامت و دلالت به کسی ندهیم، و با ابومحمد حسن بن علی علیه السلام نیز همین عادت جاری بود».

خلیفه گفت: «چه علامتی با ابومحمد داشتید؟» گفتیم: «دینارها و

صاحبانش و مقدار آن را گزارش می‌داد، و چون چنین می‌کرد آن‌ها را تسلیم وی می‌کردیم. ما مکرر نزد او می‌آمدیم و این علامت و دلالت ما بود و اکنون او درگذشته است. اگر این مرد، صاحب‌الامر است بایستی همان کاری را که برادرش انجام می‌داد، انجام دهد و الا آن اموال را به صاحبانش برمی‌گردانیم».

جعفر گفت: «ای امیرالمؤمنین! اینان مردمی دروغگو هستند و بر برادرم دروغ می‌بندند و این علم غیب است». خلیفه گفت: «این‌ها فرستاده و مأمورند؛ و مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ». جعفر مبهوت شد و نتوانست پاسخی بدهد.

اهل کاروان گفتند: «امیرالمؤمنین بر ما منت نهد و کسی را به بدرقه ما نفرستد تا از این شهر بیرون رویم» و چون از شهر بیرون آمدیم، غلامی نیکومنظر — که گویا خادمی بود — به طرف ما آمد و ندا می‌کرد: «ای فلان بن فلان! ای فلان بن فلان! مولای خود را اجابت کنید». گفیم: «آیا تو مولای ما هستی؟» گفت: «معاذ الله! من بنده مولای شما هستم، نزد او بیایید». ما به همراه او رفتیم تا آن که بر سرای مولایمان، حسن بن علی علیه السلام وارد شدیم و به ناگاه، فرزندش، آقای ما، قائم علیه السلام را دیدیم که بر تختی نشسته بود و مانند پاره ماه می‌درخشید و جامه‌ای سبز در برداشت.

بر او سلام کردیم و او پاسخ ما را داد. سپس فرمود که همه مال چند دینار است و چند دینار از فلانی و چند دینار از فلانی است و بدین سیاق همه اموال را توصیف کرد. سپس به وصف لباس‌ها و اثاثیه و چهارپایان ما

پرداخت و ما برای خدای تعالی به سجده افتادیم که امام ما را به ما معرفی فرمود و بر آستانه وی بوسه زدیم و هر سؤالی که خواستیم از او پرسیدیم و او جواب داد.

آن گاه اموال را نزد او نهادیم و قائم^ع فرمود که بعد از این مالی را به سامرا نبریم؛ چراکه فردی را در بغداد نصب می‌کند که اموال را دریافت کند و توقیعات از نزد او خارج شود.

از نزد او بیرون آمدیم و او به ابوالعبّاس محمد بن جعفر قمی حمیری مقداری حنوط و کفن داد و به او فرمود: «خداوند تو را در مصیبت خودت اجر دهد». ابوالعبّاس به گردنه همدان نرسیده، درگذشت و بعد از آن، اموال را به بغداد و نزد وکلای منصوب او می‌بردیم و توقیعات نیز از نزد آن‌ها خارج می‌گردید.^۱

نکته مهمی که در این گزارش وجود دارد، این است که در شرایطی که امام در تقیه شدید بود و حضورش برای اقامه نماز بر پیکر پدر نیز بسیار کوتاه بود و یکی از بانوان منزل امام عسکری^ع - که به احتمال زیاد، مادر امام بود - دستگیر شده بود و تمام نیروهای نظامی و انتظامی و اصناف شهر سامرا بسیج شده بودند تا ردی از جانشین احتمالی امام عسکری^ع بیابند، امام غائب^ع عنایت ویژه‌ای به دیدار با قمی‌ها و ایرانی‌ها داشته است. نکته دیگر این است که در آغاز غیبت صغری، احمد بن اسحاق قمی،

۱. ترجمه کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۲۶.

برجسته‌ترین شخصیت علمی و مدیریتی قم، به سرعت به عنوان دستیار نایب اول انتخاب می‌شود. آیا تاکنون یک نگاه آماری به علما و مراجع، یا به اصطلاح، «نواب‌عام» در دوران غیبت کبری داشته‌اید؟ آیا می‌دانید که احتمالاً نزدیک به دو سوم علمای برجسته این دوران، به ویژه از دوره صفویه به بعد، ایرانی هستند؟ آیا می‌دانید که در آخرین آغاز مقدس تاریخ، یعنی ظهور نیز اعراب حضوری کم‌رنگ دارند؟

اینک به نظر می‌رسد که در جمع‌بندی آغازهای سه‌گانه عید غدیر، عید امامت امام موعود^{علیه‌السلام} و ظهور، طبق اسناد تاریخی یا آینده‌نگر، شیعه ایرانی دارای هویت و رسالت پررنگی است و مسئولیت سنگینی نیز در زمان حال بر عهده آحاد شیعیان ایرانی قرار دارد.

پس عنوان «شیعه ایرانی»، ارمغان سلمان فارسی برای فرهنگ و تمدن ایرانی است که در لحظه آغازین نهم ربیع‌الاول، خود را به زیبایی نشان داد و در دوران غیبت کبری هم تاکنون خوش درخشیده است تا پیش‌بینی نبوی درباره نسل سلمان معنا یابد. این رسالت پیوسته، تجدید بیعت مداوم را می‌طلبد.

چشم انداز رسالت
سلمان و نسل سلمان
در زمینه سازی ظهور

نسل سلمان در دوران
حضور و غیبت

طرح آسمانی پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}
و اهلیت^{علیه‌السلام} برای نسل
سلمان

حرکت تاریخی سلمان
فارسی برای «سلمان
محمدی» شدن

سخن پایانی

مهم‌ترین چشم‌اندازی که برای شیعه ایرانی در آخرالزمان برای زمینه‌سازی ظهور در نظر گرفته شده است، جنبش جهانی سازی پیام‌های فطری مکتب حق است، تا درست همانند شیعیان قمی که پس از بیعت با امام غائب علیه السلام در آغاز امامت، پیام ولایت او و استواری بر حق را برای تمامی شیعیان قمی و ایرانی به ارمغان آوردند، شیعه ایرانی آخرالزمان هم ادامه‌دهنده راه آن‌ها در محدوده‌ای جهانی باشند.

بیاید با هم‌دیگر در روایات زیر دقت کنیم:

— «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَيْتُ غَنَمًا سَوْدًا دَخَلَتْ فِيهَا غَنَمٌ كَثِيرٌ بَيْضٌ فَقَالُوا فَمَا أَوْلَتْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْعَجَمُ يَشْرِكُونَكُمْ فِي دِينِكُمْ وَ أَنْ سَابِكُمْ قَالُوا الْعَجَمُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مَعْلَقًا بِالْثَرِيَّا لَنَالَهُ رِجَالٌ مِنَ الْعَجَمِ؛^۱

پیامبر فرمودند: در رؤیا گوسفندهایی سیاه دیدم که گوسفندهای سفید فراوانی در آن‌ها داخل شدند. صحابه پرسیدند: تأویل این رؤیا چیست؟ فرمودند: آن‌ها عجم‌ها (فارس‌ها و دیگران) هستند. آن‌ها در دین‌داری و هم‌خونی (پیوند نسبی بر محور ازدواج دینی) با شما همراه خواهند شد. صحابه گفتند: عجم‌ها؟ پیامبر فرمودند: بله، اگر ایمان آویخته بر ستاره ثریا باشد، همانا مردانی از عجم به آن دست خواهند یافت.»

۱. بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۷.

— «رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَتَخْلُو كُوفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِيَلْدَةِ يُقَالُ لَهَا قَمٌ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قَمٌ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ...»^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: به زودی کوفه از مؤمنان خالی، و علم از شهر قم آشکار خواهد شد و این شهر، کانون دانش و فضیلت خواهد بود. از قم چنان به نشر معارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در گستره جهانی خواهند پرداخت که حتی زنان خانه‌دار هم نسبت به دین‌داری آگاه خواهند شد. پس نزدیک ظهور، قم و مردمان آن به اتمام حجت خواهند پرداخت...»

پیام این دو روایت، آن است که اگر دوران غیبت را از منظر دشمن بنگریم، فاصله‌انداز بین آغاز امامت و آغاز ظهور امام غائب عَلَيْهِ السَّلَامُ شده است؛ ولی اگر آن را از منظر حق با محوریت شیعه ایرانی ببینیم، آغازهایی باشکوه و حرکتی به سوی ظهور هستند و این غیبت وقتی رو به زوال می‌رود که شیعیان و خصوصاً شیعه ایرانی با محوریت پایگاه علمی و فرهنگی قم — که امتداد مدرسه تاریخی قم است — به جهانی‌سازی پیام و جاذبه‌سازی برای امام حق اقدام نمایند.

۱. همان، ج ۵۷، ص ۲۱۳.

بخش سوم:

آداب و فرهنگ عید نهم ربیع الاول

فصل اول: روز عید ولایت، روز شادی و سرور

نهم ربیع الاول در فرهنگ شیعه، به عنوان روز عید مطرح شده است. در گزارش‌های تاریخی، یادکرد این عید شیعی را در کتاب *التقض* نوشته عبدالجلیل رازی (متوفی ۵۶۰ ه.ق) و کتاب ابن ادریس حلی (متوفی ۵۹۸ ه.ق) و سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴ ه.ق) می‌توان یافت. از جهت فقهی هم علمای شیعه در کتاب‌های حدیثی — فقهی و در فصل بر شماری غسل‌های مستحب، یکی از آن‌ها را غسل عید نهم ربیع الاول بر شمرده‌اند.^۱

در داستان دیدار قمی‌ها با امام زمان علیه السلام — که دو سه روز پس از شهادت امام عسکری علیه السلام رخ داد — کسانی که موفق به دیدار آن حضرت شدند، لحظه

۱. به عنوان نمونه، رک: *عروة الوثقی*، باب غسل‌های مستحبی؛ و *سائل الشیعه*، ج ۲، باب ۲۴ و اکثر رساله‌های عملیه مراجع شیعه.

دیدار را چنین توصیف کرده‌اند:

«وقتی وارد اتاق مخصوص شدیم، فرزند امام عسکری علیه السلام چون پاره ماه بر سربری نشسته بود و لباسی سبز بر تن داشت. پس چون به امامت آن حضرت یقین کردیم، همگی از شادی و سرور به سجده افتادیم و خداوند را شکر کردیم...»^۱

آن گروه، شادی و سرور خود را خیلی زود به قم بردند و قم هم پس از حزن بر شهادت امام عسکری علیه السلام، شادمان و مسرور از آغاز امامت امام موعود علیه السلام شد. علمای قم — که دانش‌آموخته احادیث اهل بیت علیهم السلام بودند — پس از آگاه شدن از روی‌داد آغاز امامت امام زمان علیه السلام با یادآوری حدیثی جالب از امام رضا علیه السلام به فرهنگ‌سازی برای این روز پرداختند.

ماجرای حدیث چنین بود که برخی از کسانی که در سال ۲۵۹ هجری قمری (یک‌سال پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام) برای زیارت امام رضا علیه السلام به طوس رفته بودند، با فیاض بن محمد طوسی از یاران امام رضا علیه السلام — که ۹۰ ساله بود — دیدار کردند و او برای آن‌ها حکایتی از امام رضا علیه السلام نقل کرد و گفت:

«در روز عید غدیر، امام رضا علیه السلام به شیعیان دستور داد که آن روز را روزه بگیرند و آن‌گاه برای افطار، همه مردان شیعه را به منزل خود دعوت کرد؛ ضمن آن که بسته‌هایی شامل غذا، هدایا، لباس، انگشتر و کفش از سوی امام

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۷۷.

به منازل تک تک ما فرستاده شده بود.

آن روز چون به منزل امام رفتیم، منزل امام را در یک دگرگونی بی‌سابقه دیدیم؛ چرا که هم خود امام و هم خدمت‌گزاران و هم آرایش منزل، تغییر فراوان یافته و فضا بسیار شاد بود و عطر خوبی همه جا را فرا گرفته بود.

آن‌گاه امام ما را بر سفره‌ای مخصوص نشاند و روایتی به نقل از اجدادش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرد و فرمود: «در یکی از سال‌های خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه، روز جمعه و غدیر هم‌زمان شد. در آن روز، امام به مسجد آمد و بر منبر رفت و خطبه‌ای مفصل خواند و مردم را با حقیقت غدیر آشنا کرد. از فضیلت عید غدیر سخن گفت و آن‌گاه مردم را به پاس‌داشت و گرامی‌داشت و احیای آن دعوت نمود و فرمود: «پس از این مجلس برخیزید و به منازل خود بروید و بر خاندان خود، وسعت در رزق و شادی را فراهم سازید، با برادران مسلمان خود نیکی کنید، دور هم جمع شده و به هم هدیه دهید، شکر این نعمت خداوندی را به جا آورید و به مسلمانان ضعیف چنان بر سید که در این روز در خوراک همانند شما شوند؛ چراکه یک‌درهم صدقه در این روز پاداش دویست هزار درهم دارد». آن‌گاه فرمود: «حاضران این پیام مرا به غائبان برسانند».

آن روز پس از نماز جمعه، امام با فرزندان و شیعیانش راهی منزل امام مجتبی علیه السلام شدند و سر سفره غذایی که به مناسبت این عید آماده کرده بود

نشستند و پس از صرف غذا، از آن سفره برای اهل و عیال خود نیز بردند.^۱ وقتی به سیره امامان شیعه در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت می‌نگریم، شاهد خواهیم بود که آنان در سال گشت مناسبت‌هایی چون عید غدیر، حتی اگر در محاصره و هجوم بوده‌اند، آن روز را به عنوان مهم‌ترین عید مکتب تشیع، به جشن و شادی و سرور می‌گذرانده‌اند.

جشن و شادی عید غدیر، امتداد و استمرار جشن و شادی پیامبر اسلام ﷺ پس از ابلاغ خطبه غدیر است؛ چراکه تا پیش از ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیؑ و در طول سفر حجه‌الوداع، صحابه همواره یک نگرانی خاصی را در چهره پیامبر ﷺ می‌دیدند، ولی در روز غدیر و پس از نماز ظهر که ابلاغ ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیؑ انجام شد، صحابه دیدند که پیامبر ﷺ آرامش خاصی یافته و شادی و سرور در چهره‌اش موج می‌زند. ایشان با نوعی نشاط و ابتهاج دستور دادند که خیمه باشکوهی برای بیعت‌گیری برپا سازند، آن‌گاه امیرالمؤمنین علیؑ را در لباسی فاخر و با عمامه

۱. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۱۲. به نقل از مصباح الزائر، سید بن طاووس.

۹. طبق آیه ۶۷ سوره مائده، پیامبر ﷺ در طول سفر حجه‌الوداع، چون مأموریت اعلان خلافت امیرالمؤمنین علیؑ را داشت و از سویی عدم آمادگی مردم و فتنه‌افروزی پیوسته منافقین را می‌دید، همواره نوعی نگرانی و خوف نسبت به انجام این مأموریت داشت. به ویژه وقتی در مکه برخی از سفر تاریخی امیرالمؤمنین علیؑ به یمن از جهت عدالت‌ورزی آن امام شکایت کردند و هم‌چنین هنگام خطبه‌خوانی در صحرای عرفات و منی، منافقین سر و صدا راه انداختند تا مقدمه‌چینی ایشان در زمینه ولایت، مثل نقل حدیث ثقلین و حدیث ۱۲ امام به گوش مردم نرسد. در این زمینه، رک: الصحيح من السیره النبوی الاکظم ﷺ، ج ۳، فصل روی‌داد غدیر.

ویژه خود - که «سحاب» نام داشت - در هیبت و وقاری کامل در صدر آن خیمه نشاند و از مسلمانان خواست که دسته دسته به خیمه وارد شوند و با امام خویش بیعت کنند.^۱

البته عید آغاز امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام فقط شاهد شادی ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نبود؛ بلکه چون در سفر حجه الوداع، حضرت زهرا و حسنین علیهما السلام نیز حضور داشتند، این روز، روز شادی فراوان آنها نیز بوده است.

نکته جالب آن که عید غدیر به عنوان عید آغاز امامت و آغاز دوره‌ای ویژه در تاریخ حق و حقانیت زمینی و شروع ولایت حقه در ملکوت و عوالم وجود، فقط در زمین پاس‌داشته نمی‌شود؛ بلکه برای این عید، در عوالم بالا و حتی در بهشت هم مراسم خاصی برگزار می‌گردد.

احمد بن ابی‌نصر از خواص یاران امام رضا علیه السلام می‌گوید: روزی نزد آن حضرت بودم. منزل امام هم آکنده از جمعیت شیعه و سنی بود. سخن از غدیر پیش آمد و بین مردم بحث در گرفت. امام رضا علیه السلام پس از شنیدن سخن مردم فرمود: «روز عید غدیر در آسمان‌ها شناخته شده‌تر از روی زمین است. همانا خداوند در بهشت فردوس، قصری با مشخصات خاص، ویژه روز عید غدیرخم فراهم کرده است؛ پس هر سال، چون روز عید غدیر فرار سد، همه اهل آسمان (فرشتگان، حوریان و حتی نعمت‌های زنده بهشتی همانند

۱. ترجمه الغدیر، ج ۲، ص ۲۰۸.

پرنندگان) به آن قصر آمده و عبادت ویژه (تسبیح و تقدیس و تهلیل) می‌کنند؛ در حالی که بر آن‌ها مشک و عنبر می‌بارد. در آن روز ملائکه به هم‌دیگر «نثار فاطمه»^۱ هدیه می‌دهند. پس چون روز غدیر به پایان می‌رسد، هریک از ملائکه به مکان‌ها و مأموریت‌های خود باز می‌گردند تا سال دیگر»^۲.

وقتی در عالم آفرینش، هیچ موجودی برتر از انسان‌های کامل (معصومین علیهم‌السلام) نیست، بدیهی است که حالات فرح یا حزن آن‌ها بر تمام عوالم هستی، از زمین تا ملائکه و آسمان‌ها، اثر می‌گذارد و آن روزهای فرح یا حزن خاص، تنها یک روز در زمان گذشته نخواهد بود؛ بلکه بازتابش برای همیشه در تاریخ و آینده خواهد ماند.

بدین جهت است که این فرح، هر ساله، هم نزد امامان معصوم علیهم‌السلام و هم نزد ملائکه تکرار می‌شود و بدین گونه است که در مکتب تشیع، فرهنگ معنوی و دینی بر محور «ایام‌الله» تعریف می‌گردد؛ ایام‌اللهی که از مسیر معرفی اهل‌بیت علیهم‌السلام و فرهنگ‌سازی آن‌ها وارد زندگی مؤمنان خواهد شد.

۱. نثار از ریشه «نثر ینثر» به معنی پراکندن چیزی است. نثار (به ضم نون) به چیزی گفته می‌شود که پراکنده و توزیع گردد یا هدیه و اطعامی که در مجالس جشن پخش شود و خوردن و گرفتن آن ثواب داشته باشد. *تاج العروس*، ج ۷، ص ۵۰۴.

۲. *بحار الأنوار*، ج ۹۴، ص ۱۱۹ و *التهذیب*، ج ۴، ص ۸. منشأ نثار فاطمه، به سال‌روز ازدواج حضرت زهرا و امیرالمؤمنین علیه‌السلام باز می‌گردد. به واسطه آن روز در آسمان‌ها و بهشت، شادی و جشنی با حضور ملائکه برگزار شده بود و شجره طوبی بر بهشتیان لؤلؤ و زبرجد و در می‌افشاند. حوریاں بهشتی آن هدایا و زیورهای بهشتی را جمع می‌کردند و می‌گفتند: «این‌ها نثار فاطمه، دختر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است». *بحار الأنوار*، ج ۴، ص ۱۸۳ و ۱۹۱ و ج ۴۳، ص ۱۰۴ و ۱۳۹.

چنان که در احادیث آمده است:

«ان الله تبارک و تعالی : اطلع الی الارض فاختارنا و اختار لنا شیعةً
ینصروننا و یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا و ینذلون اموالهم و انفسهم
فینا ، اولئک منا و الینا؛ همانا خداوند به زمین نگریست و ما را انتخاب نمود و
گروه‌هایی به عنوان شیعه را برای یاری ما انتخاب کرد که با شادی ما شاد و با حزن ما
محزون خواهند بود. آن‌ها جان و مال خود را در راه ما ایثار خواهند کرد. آن‌ها از ما و
به سوی ما خواهند بود.»

سخن پایانی

فرهنگ‌سازی برای شادی ایام‌الله، همانند عید غدیر، عید مبعث، عید میلاد
پیامبر ﷺ و دیگر مناسبت‌های شاد مذهبی، همانند جشن تولد
اهل‌بیت علیهم‌السلام، ریشه در مدیریت و سیره فرهنگی اهل‌بیت معصوم علیهم‌السلام دارد؛
همان‌گونه که خواست‌گاه جشن تولد امام مهدی ﷺ در نیمه شعبان، سیره
فرهنگی — اجتماعی امام عسکری علیهم‌السلام است، آن‌گاه که با وجود تقیه بسیار
شدید، هم در شهر سامرا و هم در شهر قم، سبب ساز شادی شیعیان،
بنی‌هاشم، فقرا و مستضعفان شدند.

بدین جهت است که نهم ربیع‌الاول، سال‌روز آغاز امامت آخرین امام، از همان دیرباز
به عنوان آخرین غدیر امامت و روز جشن و شادی مطرح شده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴ و الخصال، صدوق، ص ۲۸۷.

فصل دوم : عید نهم ربیع الاول و شکر نعمت آن

اگر روز نهم ربیع الاول را از منظر مبانی قرآنی، روایی و فطری بنگریم، معلوم می‌گردد که این روز، عید امامت و ولایت و مهدویت، غدیر دوم،^۱ آخرین غدیر و در امتداد غدیر است. اگر روز غدیر خم از منظر قرآن روز اکمال و اتمام است،^۲ روز نهم ربیع الاول نیز روز اکمال و اتمام امامت امامان دوازده گانه علیهم السلام است.

در روز غدیر خم با تحقق امامت اولین امام، اصل امامت نهادینه شد و مبانی نظری امامت — که در امام اول، تجلی عینی یافت — باعث اکمال و اتمام دین از جهت تئوری گشت. همین مبانی در کنار معرفت اجمالی نسبت به دوازده امام برای کمال دین کفایت می‌کرد؛ ولی کمال و تمام مصداقی و عددی و معرفت تفصیلی آن، با تحقق امامت امام دوازدهم علیه السلام نمود و عینیت

۱. نهم ربیع الاول، غدیر دوم است؛ چون در روایات از آن با عنوان «غدیر الثانی» یاد شده و علت آن، اهمیت این آغاز در کنار غدیر خم است.

۲. سوره مائده، آیه ۳.

تاریخی و زمانی یافت.

پس این عید، عید حق‌الیقین و بلکه عین‌الیقین و طمانینه و ثبات دینی شیعه بر امامت امامان دوازده‌گانه به صورت معرفت تفصیلی است و چون این روز بر اساس قرائن عقلایی، عرفی، قرآنی و روایی، عید بزرگ امامت، ولایت و مهدویت است، از دیرباز نزد علمای شیعه — که برجسته‌ترین شیعیان در دوران غیبت کبری هستند — به عنوان روزی ممتاز، جایگاهی ویژه داشته است.

عید نهم ربیع‌الاول، عید آغاز امامت امام موعود^{علیه السلام} و زیباترین طراحی و مهندسی فرهنگی برای مذهب و مکتب تشیع است؛ چراکه شیعه پس از دو

۱. این سخن ناظر به آن است که در تاریخ ۲۵۰ ساله امامت، هرگاه امام جدیدی به امامت می‌رسید، برخی از افراد ضعیف‌الایمان دچار ریزش می‌شدند و یکی از علل این ریزش‌ها این بود که در مصداق امام بعدی دچار تردید یا وسوسه می‌شدند. بدین جهت با انحراف خود از اصل دین، فاصله می‌گرفتند. از سویی دیگر در معارف روایی ما وارد شده است که بدون اصل امامت و ولایت، دین کامل نیست و بدون پذیرش امامان دوازده‌گانه هم دین کامل نمی‌شود و حتی اگر کسی تا امام یازدهم بیاید و بعد توقف کند، دین او کامل نخواهد شد.

در این صورت اگر گفته شود که در مسأله امامت، دانستن و شناختن امامان دوازده‌گانه کفایت می‌کند و شناخت تفصیلی آن‌ها نیاز نیست، باید گفت که به فرض صحت این ادعا، فقط در همان زمان ۲۵۰ ساله دوران امامت صحیح بوده است؛ چرا که در آن زمان به لحاظ تقیه شدید، گاه حتی خواص باران امامان هم نام دقیق امام بعد را نمی‌دانستند و همانند زمان شهادت امام صادق^{علیه السلام} حتی خواص مخلص هم درباره امام بعدی دچار تحیر اولیه می‌شدند. پس معرفت اجمالی که گاه با شک و تحیر همراه است، نمی‌تواند برای همیشه جایگزین معرفت کامل و تمام باشد.

با تحقق امامت امام دوازدهم^{علیه السلام} و تعیین یافتن ۱۲ مصداق امامت، نظریه امامت شیعه — که مستند به قرآن و منابع حدیثی شیعی و سنی است — به یک ثبات و اطمینان رسید. بدین جهت، نهم ربیع‌الاول عید تمام و کمال امامت از جهت مصداقی و خارجی است که اطمینان و ثبات و یقین شیعه را به همراه داشت. البته این سخن به معنی بی‌هویتی و تزلزل تشیع در بستر تاریخ ۲۵۰ ساله امامت نیست — همان‌گونه که برخی از مستشرقین یا افراد متأثر از آن‌ها نوشته‌اند — بلکه به این معنی است که شیعه در نهم ربیع‌الاول از معرفت اجمالی به معرفت تفصیلی رسید.

ماه و اندی حزن مقدس، با جشن و سرور آغاز امامت حی و حاضر منقلب می‌شود، یعنی «یفرحون لفرحنا» پس از دو ماه «یحزنون لِحزننا»! این نشاط و شادی مقدس، نه در قالب احیای یک امر تاریخی، که در پیوند با آغازی است که اگرچه روی‌داد اولیه‌اش در سال ۲۶۰ هجری رقم خورد، ولی با خود، بیعتی همیشگی و زنده و معناآفرین (در بستر امامت پیوسته امام غائب علیه السلام) به همراه دارد، تا پس از آن همه حزن تاریخی، این شادی، شادی واقعی با نگاه به حال و آینده باشد.^۱

از این منظر است که اولین گام در مواجهه مؤمن با شادی و سرور این عید، شکر و سپاس‌گذاری است؛ سپاس‌گذاری از مکتبی که حزن‌هایش تاریخی، ولی آینده‌اش روشن و امیدآفرین است. این پیوستگی مدیریت زمان بین گذشته، آینده و حال، ناشی از اعتقاد به اصل زنده امامت و ولایت است؛ نعمتی بزرگ که باعث پویایی مکتب حق می‌شود.

می‌گویند حس انسانی سپاس‌گذاری از نیکوکار، یک اصل فطری است که در سرشت و نهاد انسانی وجود دارد و هرچه نعمت، هدیه، نیکی و خیری که به آدمی می‌رسد بزرگ‌تر باشد، این حس فطری نیز بیش‌تر فوران کرده و

۱. در یک نگاه مقایسه‌ای، تنها مکتب تشیع است که نه تاریخ را تعطیل کرده، همانند وهابیت - که در عین سلفی‌گری، به جهت اعتقادات متناقض درباره شخصیت‌های تاریخی، ناچار به تعطیلی مطالعات تاریخی شده است - و نه در تاریخ مانده است، همانند تمام ادیان و مذاهب ابراهیمی که خاتمیت را به معنی پایان انسان کامل در تاریخ دانسته و بشر امروز را به حال خود رها شده می‌دانند. در مکتب تشیع، ضمن این‌که تاریخ مقدس و عبرت‌زا و هویت‌آفرین وجود دارد، با اعتقاد به وجود انسان کامل در جریان پیوسته زمان، حال و آینده مقدس و معنادار و هدفمند نیز موجود است.

خود را بیش‌تر نشان می‌دهد. بدین جهت است که آدمی وقتی نعمت‌های بی‌کران و پیوسته خداوند را می‌بیند، احساس سپاس‌گذاری نسبت به حق تعالی در درونش شکل می‌گیرد.

به ضرورت عقل و فطرت و شهادت دین، نعمت معرفت و هدایت به امامت و ولایت و مهدویت، برترین نعمت خداوندی است؛ چراکه این نعمت، نعمتی است که با سعادت و کمال و رستگاری پیوسته انسان‌ها در هر لحظه از زمان ارتباط دارد. بدین جهت از برترین آداب و برنامه‌ها در نهم ربیع‌الاول، شکر نعمت ولایت و مهدویت است.

در مقام اثبات این سیره و فرهنگ می‌توان به فرهنگ سپاس‌گذاری در عید غدیر استناد کرد. در این روز - که سال‌روز اولین آغاز ولایت و امامت در تاریخ بشریت است - به دلیل اهمیت نعمت ولایت، توصیه بسیار به شکر و حمد و سپاس شده است.

به عنوان نمونه، بخشی از اعمال روز عید غدیر چنین است:

— دو رکعت نماز، سپس صد مرتبه شکر در سجده، خواندن دعای حمد و شکر، دوباره به سجده رفتن و صد مرتبه ذکر «الحمد لله» و صد مرتبه «شکراً لله»

- حمد و شکر نعمت ولایت در دیدار با مؤمنان با ذکر «الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المومنین و الائمة المعصومین علیهم السلام»

- خواندن دعای «الحمد لله الذی اکرمننا بهذا الیوم و جعلنا من المومنین بعهدہ الینا و...»
 نعمت امامت تنها نعمت بزرگ خدا نیست، بلکه زیستن در دولت رهبران
 حق نیز از نعمت‌های الهی است.^۳ از آن جا که در طول تاریخ، پیامبران و
 امامان علیهم‌السلام آرزوی دیدار امام مهدی علیه‌السلام و زیستن در دولت ایشان را
 داشته‌اند، اینک که نعمت عظیم ولایت مهدوی و زیستن در زیر پرچم امام
 موعود علیه‌السلام قسمت ما شده، شکر آن هم لازم است. بدین جهت است که در
 داستان دیدار قمی‌ها با امام موعود علیه‌السلام، آن‌ها وقتی یقین به امامت آن
 حضرت پیدا کردند، بلافاصله سجده شکر به جا آوردند.
 بدیهی است که هرگاه این نعمت در بستر تاریخ تکرار شود، تکرار در
 سپاس‌گذاری نیز لازم خواهد بود؛ همان‌گونه که شکر نعمت ولایت غدیر،
 حداقل چرخه‌ای سالیانه دارد.

در همین جا باید یادآوری نمود که در مقایسه ادوار گوناگون امامت امام

۱. رک: مفاتیح الجنان، اعمال روز عید غدیر.

۲. امام کاظم علیه‌السلام درباره آیه ۲۰ سوره لقمان: «و اسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنه» فرمودند: «نعمت ظاهری، امام
 ظاهر، و نعمت باطنی، امام غائب است». اثبات الهداة، ج ۲، ص ۹۳ و کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۹.

۳. سیدالشهدا علیه‌السلام در دعای روز عرفه، می‌فرماید: «لم تخرجنی لرافتک بی و لطفک لی و احسانک الی فی دولة ائمة
 الکفر...». مفاتیح الجنان، دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه.

۴. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی». (الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۶) امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز در ضمن
 خطبه‌ای دست خود را به سینه گذاشتند، از شوق دیدار آن امام، همان و بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۱۵.

غائب علیه السلام — که شامل دوران غیبت صغری، غیبت کبری و دوران ظهور می‌شود - زیستن در دوران غیبت کبری - آن هم در دوره آخر الزمانی آن - شاید با فضیلت‌تر از همه باشد؛ چراکه در این زمان، اگر مؤمن بتواند با تمام هجوم و فتنه و وسوسه‌های باطل، بر حق استواری ورزد، از جهت ایمانی و معرفتی، مقامی بس والا خواهد داشت.

پس آنان که امروز در دوران غیبت زیست می‌کنند و به احتمال زیاد، در دوره آخر الزمانی غیبت هزار و چند صدساله هستند،^۱ به جهت ثبات بر دین‌داری و ایمان و تقوا و انتظار با وجود همه امتحان‌ها و آزمایش‌ها، می‌توانند در یک مقایسه تاریخی از برجسته‌ترین یاران جبهه حق در طول تاریخ و در زمره یارانی باشند که حتی از جهت فهم و عقل و قوت ایمان، جلوتر از مؤمنان پیشین هستند.^۲

بدین جهت، شکر نعمت ولایت امام غائب علیه السلام آن هم در یکی از مراحل سخت آخر الزمانی، از مهم‌ترین وظیفه‌های هر مؤمن است؛ شکری که حداقل می‌تواند با ذکرها و عبادت‌های دینی یا ادعیه و زیارات خاص مهدوی

۱. به معنی سخت‌ترین مرحله غیبت، از جهت مواجهه حق و باطل و سنگین‌تر شدن رسالت مؤمنان برای جهانی‌سازی پیام حق و زمینه‌سازی ظهور.

۲. برخی روایات دلالت می‌کنند که چون حق تعالی می‌دانست در آخر الزمان مردمانی با عمق و دقت نظر پدیدار خواهند شد، سوره توحید و آیات اول تا ششم سوره حدید را نازل کرد. رک: *المیزان*، ج ۱۹، ص ۱۴۷.

تجلی یابد.

چون در فصل‌های بعدی سخن از ضرورت تجدید بیعت خواهد شد، همین جا تأکید می‌شود که شکر نعمت ولایت و مهدویت از منظر اصل قرآنی «لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۱ باعث نهادینه شدن نعمت و در حقیقت، کسب توفیق برای تجدید بیعت از معبر سپاس‌گذاری و مهدی‌یاوری پیوسته خواهد شد.

سخن پایانی

در فرهنگ شیعه، جشن انتظار، مکمل سوگواره عاشورا است، تا فرهنگ پیوند خورده‌ی عاشورا و انتظار، تعریف‌گر هویت شیعی باشد. امروزه تجلی جشن انتظار در جشن نیمه شعبان است که به نظر می‌رسد بهتر است اولویت اول جشن انتظار به جشن نهم ربیع‌الاول تغییر یابد؛ چراکه جشن نهم ربیع‌الاول، همانند و بلکه آینه‌ی زمانی و کمال‌یافته بعثت و غدیر است.

پس این جشن، آن هم به پیوسته حزن مقدس و طولانی دو ماه محرم و صفر، نعمتی آسمانی و بزرگ است که با امید و آینده‌نگری آن، حزن و اندوه پیوسته را تبدیل به شادی و سرور حرکت‌آفرین می‌کند. جشنی زیبا و آسمانی که تا جشن‌های مولود پیامبر امتداد دارد تا ریشه‌ها و اصالت‌های جشن آخرین غدیر را نشان دهد.

اینک بر ماست که به خاطر نعمت مکتب و فرهنگ تام و کامل و جامعی

۱. سوره ابراهیم، آیه ۷.

که به تمامی نیازهای فطری انسان توجه نموده و حتی حب و بغض‌های انسانی را در متعالی‌ترین شکل، بر محور سرور و حزن اولیای آسمانی مدیریت نموده و کمال داده است، از خداوند شکرگذاری کنیم و مهم‌ترین نمود این شکرگذاری در احیا و نکوداشت فراگیر و اجتماعی این عید است؛ چرا که فرموده‌اند: «رحم الله من احیا امرنا»^۱.

۱. الاختصاص، ص ۲۹ و بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۳.

فصل سوم : فرهنگ جشن و شادی

وقتی وجود امام (اگرچه غائب) اثبات گشت^۱ و بر مبنای نگرش اسلامی و شیعی، روزی به عنوان روز فرح و سرور امام شناخته شد، بدیهی است که مؤمنان باید در امتداد سرور و شادی امام، آن را با شادی و نشاط آفرینی احیا نمایند؛ خصوصاً اگر از معصومین علیهم‌السلام گفتار یا رفتاری در پاس داشت آن روز ثبت شده باشد.

طبق مبانی دینی، گفتار و رفتار (سنت و سیره) معصوم، حجت است و نه تنها قابل الگوبرداری است، که الگوبرداری از آن، واجب و لازم و شرط کمال و تعالی است. همان‌گونه که سرور و شادی امام معصوم از جهت تکوینی و ماورائی، نشاط و ابتهاج عوالم وجود را به همراه دارد، از جهت تشریحی (قانونی، اجتماعی و فرهنگی) نیز می‌بایست شادی متعالی و مقدس‌ترین انسان‌ها رشدیافته، جامعه دینداران را هم در برگیرد. و چون این شادی، مقدس

۱. ضرورت وجود پیوسته امام پس از خاتم پیامبران، در کنار روش انسان‌شناسی فطری و ادله عقلی، به واسطه ادله نقلی قرآنی (همانند استدلال به سوره قدر) و روایات موجود در منابع شیعی و سنی (همانند روایت من مات و لم يعرف امام زمانه) قابل اثبات است.

و آسمانی است و هندسه شادی مقدس و دینی، تمام ابعاد وجودی و روابط پیرامونی انسان را شامل می‌شود، دامنه تجلی شادی در عیدهایی همانند مبعث، غدیر و نهم ربیع‌الاول، وجود مؤمنان را نیز شامل می‌شود و در روابط چهارگانه هر انسان با خود، خداوند، دیگر انسان‌ها و جهان هستی، این چنین خود را نشان می‌دهد:

در رابطه با خود	آرایش و پیرایش ظاهر و باطن و آشکار شدن در بهترین سیرت و صورت، بر مبنای اصول زندگی دینی و تعالیم آن
در رابطه با خداوند	شکر نعمت ولایت و تولی با عبادات نشاط‌آفرین، همانند سجده، نماز شکر، تلاوت قرآن و روزه
در رابطه با دیگر انسان‌ها	در رابطه با معصوم صاحب عید: - ابراز مودت و محبت با انجام زیارت - تجدید عهد و پیمان - هدیه تلاوت قرآن و دیگر عبادات به آن معصوم - صدقه به نیابت از آن معصوم - احیا و پاس‌داشت اجتماعی یادکرد معصوم در آن روز
	در رابطه با خانواده و بستگان: ایجاد فضای شاد در خانه و برگزاری جشن خانوادگی
	در رابطه با دوستان و مؤمنان: - اهتمام به حقوق ایمانی و شهروندی، هم‌چون ایثار و انفاق، با هدف ایجاد جاذبه برای معصوم و ترویج روحیه شادی و نشاط اجتماعی - هم‌پاری در احیای جشن اجتماعی با مشارکت دیگر مؤمنان (در قالب هیئات)
در رابطه با طبیعت	حضور با نشاط همراه با خانواده یا مؤمنان در طبیعت جهت روحیه‌گیری از برکت طبیعت تسبیح‌گو و در چارچوب حریم‌ها و حرمت‌ها

اگرچه برای عید نهم ربیع‌الاول — به علت قرار گرفتن این عید در نقطه پایانی دوران حضور امامان — دستورالعمل خاصی از اهل بیت علیهم‌السلام به ما

نرسیده است، ولی بیش‌تر دستورالعمل‌های کلی در روزهای عید و جشن، شامل این روز هم می‌گردد و بلکه عید نهم ربیع‌الاول، عصاره تمامی عیدها و روزهای شاد اهل بیت است و می‌تواند آینه تمام‌فرهنگ‌های شاد آنها باشد.

در همین زمینه مناسب است دو نکته درباره شخصیت و سیره امام غائب یادآوری گردد تا در مقام تأکید بر عید بودن این روز و طراحی فرهنگ جشن و شادی؛ عمل کرد بهتری داشته باشیم.

امام غائب، امام زیبایی‌ها

یک دسته از معارف مهدوی که نقش بسزایی در بازشناسی شخصیت و سیره امام غائب دارد، تمثیلات و تشبیهات مهدوی است. در آیات قرآنی، احادیث، ادعیه و زیارات مهدوی، امام غائب علیه السلام به سه دسته از مظاهر طبیعت تشبیه شده است تا بر اساس قانون ادبی (تشبیه معقول یا ناپیدا به امر محسوس و پیدا) واقعیت و حقیقت آن، بهتر و بیش‌تر شناخته شود. آن چهار دسته عبارت‌اند از:

— هر آنچه در طبیعت، منشأ نور و روشنایی باشد؛ همانند خورشید، ستاره، ماه، صبح و طلوع

— هر آنچه در طبیعت تجسم زیبایی‌ها باشد؛ همانند گل‌های گوناگون، فضا، طبیعت بهاری و گلستان

— هر آنچه در طبیعت مایه نشاط و زندگی و حیات باشد؛ همانند چشمه، دریا و آب گوارا

- هر آن چه در طبیعت مایه آرامش و پناه باشد؛ همانند کشتی، غار و...
کارکرد وسیع این تشبیهات، زیبا سازی شخصیت و سیره امام و معارف و فرهنگ‌های مرتبط با ایشان است. بدین جهت در مقام تلاش برای پاس‌داشت و احیای امر آن حضرت، استفاده از این روش می‌تواند در زیبا سازی و توسعه فرهنگ شادی در سال‌روز آغاز امامت امام زیبایی‌ها بهره فراوان برد.

امام غائب، امام مهربانی‌ها

غیبت به معنی پنهان‌زیستی امام غائب است؛ نه دورافتادگی همیشگی آن حضرت از جوامع بشری و خصوصاً جوامع شیعی. به ویژه که در آموزه‌های مهدوی بر رسیدگی پیوسته امام غائب، حداقل نسبت به شیعیانش، تأکید شده است. از این رو در غیبت، تشریف و دیدار با خواست و مدیریت امام غائب برای فرد یا گروهی خاص ممکن است. می‌توان گفت که اولین تجربه تشریف — البته با کمی تفاوت از معنای آن نسبت به دوران غیبت کبری — تشریف قمی‌ها در روزهای آغازین امامت امام زمان علیه السلام است.

با مطالعه تحلیلی و زیبا شناختی تشریف‌های قابل اطمینان، می‌توان به نکته‌ای جالب دست یافت، و آن این‌که در اکثر قریب به اتفاق آن‌ها، وضعیت، شرایط مکانی و حالت مشرف‌شدگان تغییر و تحولی تام و تمام می‌یابد؛ تحولی که ترکیبی از لذت، معنویت، طمأنینه، یقین و رضایت را به دنبال دارد.

۱. رک: درسامه مهدویت، ج ۲، ص ۳۲.

نتیجه آن که وقتی امام مهربانی‌ها در ارتباطی پیوسته با مؤمنان است و بر تشریف‌یافتگان در نهایت زیبایی و جاذبه ظهور می‌کند، شیعیان هم باید توجهی کامل به امام خود داشته باشند و حداقل در مناسبت‌های شاد مرتبط با ایشان، با لحظه‌های زیبای تشریف و توفیق‌های زیبا شناختی مثال‌ها و تمثیل‌های مهدوی هم‌خوانی پیدا کنند، تا در نتیجه این سنخیت و شباهت، یک رابطه دو سویه بین امام و مؤمنان شکل گیرد.^۱

با این عمل، فرد مؤمن شامل آن دسته روایاتی می‌شود که می‌فرمایند: «تلاش کنید که زینت ما اهل بیت علیهم‌السلام باشید و تلاش کنید که این زیبایی و زینت‌گری به جای زبان و ادعا، با سلوک رفتار و فرهنگ شما باشد تا برای دیگر مردم جاذبه‌آفرین شود».^۲

سخن پایانی

سه جشن مرتبط با امام زمان علیه‌السلام است؛ روز تولدشان، روز آغاز امامتشان و روز ظهور. ظهور که هنوز نیامده و زمان آن نامعلوم است. در روز تولد ایشان، جشن و شادی گسترده‌ای در جوامع شیعی برگزار می‌شود، ولی عید آغاز امامتش مهجور و غریب مانده است و غربت این روز می‌تواند باعث گسترش و امتداد فضای غیبت شود. اگر جشن نیمه شعبان، جشن تولد امید است، جشن نهم ربیع، جشن اقدام برای زیبایی‌آفرینی و تلاش برای پیوند با زیبایی‌ها، یعنی عهد و پیمان و بیعت با امام زیبایی‌هاست، جشنی که مایه آرامش انسان و جاذبه‌آفرینی برای فطرت‌های بیدار خواهد بود.

۱. این سخن بدین معناست که رابطه از سوی حضرت، همراه در اوج مهر و زیبایی است؛ ولی اگر از سوی منتظران ادعای محبت بدون تجلی عینی باشد، مهجوریت امام را به دنبال خواهد شد.
۲. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «علیک بتقوی الله ... و حسن الخلق و حسن الجوار و کونوا دعاة الی انفسکم بغیر الاستنکم و کونوا زینا لنا...». الکافی، ج ۲، ص ۷۷ و بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۹۹.

فصل چهارم: جشن بیعت، جشن استواری بر انتظار

می‌گفت: مذهب تشیع، تنها مذهبی است که با انتظار و بلکه با نوعی تعلق و رابطه پیوسته با انسان کامل پیوند خورده است.

گفتم: یعنی می‌خواهی بگویی انتظار شیعه حتی پیش از تولد امام مهدی علیه السلام بوده است؟

گفت: حتی بعد از ظهورش!

گفتم: مگر با وجود ظهورش، انتظار، معنا دارد؟ می‌گویند با ظهور او این یک کلمه از فرهنگ لغت‌ها حذف خواهد شد!

گفت: انتظار ظهورش بله؛ ولی انتظار و تعلق به او برای کمال و هدایت پیوسته، هیچ‌گاه.

گفتم: بیش‌تر توضیح بده.

گفت: تو برای چه منتظر او هستی؟ برای اینکه بیاید؟ فقط همین، یا این‌که بیاید تا...

گفتم: بیاید تا از معبر توحید و عبودیت به عدالت برسیم.

گفت: یعنی وقتی به عدالت رسیدیم، دیگر انتظار و نیاز ما به او تمام می‌شود؟ نه.

گفتم: راستی، آیا وقتی به عدالت رسیدیم، دوران ظهور خیلی زود پایان می‌پذیرد؟^۱

گفت: در فرهنگ مهدوی شیعی، ظهور مقدمه دوران رجعت است که خود، دورانی بس طولانی و درخشان است... اصلاً می‌دانی چرا پس از ظهور رجعت اتفاق می‌افتد؟

گفتم: جان سخن را بگو لطفاً!

گفت: کمال انسانی بی‌انتهاست؛ چون روح آدمی، آسمانی است. البته روح در کالبد زمینی ناچار به پذیرش برخی محدودیت‌ها شده، ولی با این وجود، زمینه کمال او بسیار است.

هدف جریان حق از زمان هبوط آدم علیه السلام به زمین، تحقق بهشتی زمینی است تا در بستر آن و در یک روند تدریجی - که اقتضای زندگی زمینی است - زمینه برای کمال پیوسته و مستمر بشر فراهم شود. بدین جهت است که آمدن پیامبر (بعثت) یا امام (غدیر و ظهور) و ابلاغ یا اجرای اولیه دین، نه تنها باعث سکون جریان حق نمی‌شود، که آغاز راه سیر و سلوک به سوی کمال و تعالی است. در همین راستا، ظهور نیز - همانند غیبت صغری که بسترساز دوره غیبت کبری بود - بسترساز دوره رجعت است، تا در بهشت ظهور، کمال و تعالی پیوسته انسان‌ها در افق بلندمدت زمانی و فضای

۱. بر مبنای همین نگاه سطحی به ظهور است که اهل سنت ظهور مهدی موعود علیه السلام را امری نه چندان مهم و در حد خلافتی اسلامی و جهانی می‌دانند که هدفش برپاداشتن عدل است و هنگامی که این هدف محقق شد، رسالت مهدی پایان یافته و جهان خیلی زود به آخر می‌رسد و نوبت قیامت می‌شود.

پیوسته بهشتی محقق شود و هر فرد مؤمن حداکثر رشد زمینی خود را تجربه نماید.

گفتم: یعنی انتظار، اصلی ثابت در مکتب و جریان تاریخی حق است؟ چه در دوران پیامبران، چه در دوران حضور امامان، چه در دوران غیبت و حتی در دوران ظهور و رجعت؟

گفت: بله، انتظار به معنی ضرورت برقراری پیوند پیوسته انسان کمال جو با انسان کامل (معصوم) است؛ پیوندی که هیچ‌گاه به انتها نمی‌رسد و قطع نمی‌شود.

گفتم: یعنی در نگاه شیعه به مسأله کمال، انسان هیچ‌گاه نباید دچار توهم رسیدن به نقطه نهایی و خط پایان شود و احساس بی‌نیازی از معصوم کند و اگر چنین کند ضربه‌اش متوجه خودش خواهد بود و در مسیر کمال‌جویی‌اش دچار سکت، توقف، رکود و عقب‌ماندگی خواهد شد؟

گفت: اگر کسی از مراتب کمال، آن هم در بستر تاریخی و اجتماعی‌اش، فقط به ظواهر و شعارهای آن رسیده باشد و دچار این توهم شود، مصیبت بزرگی رخ خواهد داد. این مغالطه منافقین پس از رحلت پیامبر ﷺ بود که گفتند پس از رحلت ایشان، نه دیگر انسان کاملی هست و نه تصور بیش‌تر و با کیفیت بالاتر از کمال وجود دارد. پس مدعی شدند که جامعه اسلامی با

۱. در فرهنگ کلامی و عرفانی شیعه، انسان کامل به اقتضای عصمت و علم غیب، تمامی آن‌چه را که دیگر انسان‌ها برای کمال بدان نیاز دارند، می‌داند؛ ولی چون جهان هستی، آفریده حق تعالی است و او خود بی‌انتهاست، انسان کامل هم همواره در حال رشد و تعالی فزاینده است و بدیهی است که تعالی پیوسته او، مبعز کمال‌جویی پیوسته انسان‌های دیگر خواهد شد.

دین حدادلی و حکومت سکولار (در فضای روزمرگی تاریخی) برای ما بس است.
گفتم: ولی در تاریخ تشیع، حتی در شخصیتی مثل سلمان می‌بینیم که پس از مدتی علم‌آموزی از کنار معصومین دور شده و مهاجرت کرده‌اند؟
گفت: در تاریخ امامان شیعه، خصوصاً پس از دوران امام صادق علیه السلام وقتی شاگردان به مرتبه‌ای از علم و معرفت می‌رسیدند، در مقام نشر آن می‌بایست به سرزمین‌های خود یا مناطق دیگر مهاجرت می‌کردند؛ چون هر کس یک رسالت دو سویه دارد، اول قرار دادن خود در مسیر هدایت، سپس تلاش برای نشر دین. ولی این هجرت به معنی احساس بی‌نیازی از امام نبوده و آن‌ها به صورت مستقیم یا از طریق نماینده امام در ارتباطی پیوسته با ایشان بوده‌اند. ضمن این که کلیات مسیر را هم از امام فرا می‌گرفتند.

گفتم: یعنی آن‌ها پیوسته با امامان در تماس بوده‌اند؟ چگونه؟
گفت: در قالب سفر حج؛ زیرا اکثر و کلا هر سال، یا حداقل دو سه سال یک‌مرتبه، به مدینه می‌رفتند و در پوشش سفر حج، به دور از چشم جاسوسان خلفا با امام در تماس بودند. در این سفرها ضمن فراگرفتن دانش جدید و پرسیدن پرسش‌ها و شبهات، به عرضه عقاید و اندیشه و نگرش خود هم

۱. در قالب وکلایی که امامان برای هر منطقه معرفی می‌کردند تا رابط بین امام و مردم باشند. به این نظام و سیستم برقراری ارتباط اجتماعی، علمی و فرهنگی، سازمان وکالت گفته می‌شد. در این زمینه، رک: سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، رضا جباری.

می‌پرداختند.^۱ بدین گونه بود که نظام اعتقادی و فقهی (رفتاری) شیعه در بستر ۲۵۰ سال مدیریت و تربیت پیوسته امامان شکل گرفت. گفتیم: ولی امروز که امام غائب است، امکان دیدار یا بیعت یا عرضه عقاید و اعمال وجود ندارد.

گفت: عجب سخنی گفتی و عجب تصویری از غیبت داری؟! خود امام غائب درباره زیارت آل‌یس فرموده است: «إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَ إِيَّانَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى...».^۲ این زیارت، دو بخش کلی دارد؛ بخش اول، شخصیت‌شناسی معنوی، عبادی، علمی و اجتماعی امام غائبی است که قصد توجه و عرض ادب به او را داری، و بخش دوم، همانند صحنه حضور عبدالعظیم حسنی نزد امام هادی علیه السلام است؛ چراکه در آن، مجموعه اعتقادات را به امامت عرضه می‌کنی و ثبات قدم خودت را نشان می‌دهی.

پس عید نهم ربیع‌الاول در حقیقت عید و شادی منتظران است؛ زیرا خداوند به آن‌ها توفیق ثبات عقیده و استواری بر انتظار داده است و آن‌ها به شکرانه این نعمت، یک سال دیگر را بر ولایت آن حضرت سپری می‌کنند و

۱. همانند عرضه عقاید عبدالعظیم حسنی در محضر امام هادی علیه السلام.

۲. «خَرَجَ تَوْقِيعٌ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّمَةِ حَرَّهَا اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ الْمَسَائِلِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أَمْرَ اللَّهُ تَعْمَلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَانِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَهُ بِالْعَهْدِ فَمَا تَغْنِ النَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا سَلَامٌ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا...». بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، باب ۲۱، ما خرج من توقيعاته.

۳. الإحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۳.

بر مهدی باوری و مهدی زیستی و مهدی یآوری پیمان دوباره می‌بندند.^۱

سخن پایانی

نهم ربیع‌الاول روزی ویژه و بلکه روز عید قرار داده شده است، تا هر ساله یادآور بیعت‌های گذشته و پیوسته شیعیان با امامان معصوم باشد و به شیعیان یادآوری نماید که تشیع به معنی پیوند مستمر و همیشگی با ولی معصوم در هر دوره و زمانه است. معنی این انتظار و پیوند، فاصله گرفتن از احساس کاذب بی‌نیازی در فرایند کمال‌جویی و دین‌داری است.

عید نهم ربیع‌الاول، عید تجدید بیعت است؛ بیعتی که تجلی و نمود آن در آغاز غیبت صغری، در بیعت شیعیان با نایب اول امام غائب بود و در غیبت کبری، تأکیدی بر مسأله نیابت عامه و مرجعیت و ولایت فقیه دارد. معنی این تأکید آن است که در سبک زندگی شیعی، شیعیان حداقل^۲ سالی یک‌مرتبه باید با رهبران و مراجع علمی شان تماس برقرار کنند و ضمن آسیب‌شناسی نگرش و کنش زندگی خود، آن را به‌روز نمایند، تا روند رو به رشد و تاریخی جامعه حق به سوی زمینه‌سازی و بسترسازی ظهور کند نشود.

پس عید نهم ربیع‌الاول، یادآور بیعت و بلکه سطوح و لایه‌های گوناگون بیعت و ضرورت تجدید آن در هر سال، هم نسبت به امام و هم نسبت به

۱. «اللَّهُمَّ فَتَنِّي عَلَى دِينِكَ وَ اسْتَعْمِلِي بِطَاعَتِكَ وَ لِيَنَّ قَلْبِي لَوْلِي أَمْرِكَ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ تَبَتَّنِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ لِيَّ أَمْرِكَ...» کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲، باب ذکر التوفیعات الواردة عن القائم عجل الله فرجه.

۲. در شریعت و فقه اسلامی، واجباتی همانند روزه و حج و خمس است که دوره‌ای سالیانه دارند. مثلاً خمس، هر ساله باید محاسبه شود و به مرجع تقلید تحویل گردد.

نائبان ایشان است؛ چراکه بیعت و تجدید آن، همواره یکی از ارزش‌های دین اسلام و مکتب تشیع در طول تاریخ اسلام بوده است.

دعای عهد

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمِثْتَهُمْ، وَعَنْ وَالِدِيَّ وَوَلَدِي، وَعَنِّي، مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ أَجِدِدْ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبِيعَةً لَهُ فِي رِقَبَتِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبَ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ: صَفًّا كَانَهُمْ بِنِيَانِ مَرْصُوصٍ، عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بِيَعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

۱. این دعا در *مفاتیح الجنان* پس از دعای ندبه و پیش از دعای عهد قرار دارد. موجزتر از دعای عهد معروف است و

هر صبح پس از نماز صبح خوانده می‌شود. بن‌مایه آن هم عهد و پیمان با امام موعود علیه السلام پس از هر نماز صبح

است. *المزار الکبیر*، ص ۶۶۲، باب ذکر ما یزار به مولانا صاحب الزمان علیه السلام.

پروردگارا! درودها و تحیت‌های ایمان‌آوردگان را از مرد و زن، در تمام جهات، در شرق و غرب، در صحرا و دریا، در بلندی و پستی، زنده و مرده، و درودهای من و پدر، مادر و فرزندانم را به مولایم، امام عصر علیه السلام برسان؛ درودها و تحیت‌هایی به اندازه و گستره عرش خدا و به شماره سخنانش و نهایت مرتبه خشنودی او و به شماره آنچه در کتاب آفرینشش بر شمرده و دانشش بدان احاطه دارد.

خدایا! من تجدید می‌کنم در این روز و در هر روزی، عهد و پیمان و بیعتی را که از حضرت بقیه‌الله علیه السلام بر گردن من است.

معبودا! چنان‌که بدین افتخار مشرفم کردی و بدین فضیلت برتری‌ام دادی و مخصوصم کردی بدین نعمت، پس بر مولایم و آقایم و صاحب این عصر علیه السلام رحمت فرست و مرا از یاران و پیروان و مدافعان او و در زمره شهادت‌یافتگان با میل و رغبت و نه از روی اکراه در پیش رویش قرار بده، و در صفی که اهل آن را در کتاب خود چنین ستوده‌ای: صفی استوار چون آهن و صفی در راه طاعت و فرمان‌برداری تو، رسول تو و خاندان او که بر آنان درود باد!

پروردگارا! این بیعت با او بر گردن من است تا روز قیامت.

کتاب نامه

الف) کتابها

قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره: ۱۳۷۸ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول: ۱۳۶۲ ش.
۳. _____، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، قم: دار‌الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۴. _____، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ترجمه منصور پهلوان، قم: دار‌الحديث، چاپ اول: ۱۳۸۰ ش.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال الاعمال، تهران: دار‌الکتب الاسلامیه، چاپ دوم: ۱۳۷۶ش.
۶. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایه، بیروت: دار‌الفکر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶م.
۷. ابن‌مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم: قیوم ۱۴۱۹.
۸. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۹. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی‌الکتاب و السننه و الادب، قم: مرکز‌الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ اول: ۱۴۱۶ق.
۱۰. _____، الغدیر، ترجمه جمعی از نویسندگان، تهران: بنیاد بعثت.

۱۱. انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ ق.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، چاپ اول: ۱۴۱۷ق.
۱۳. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول: ۱۳۸۲ ش.
۱۴. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
۱۵. -----، تاریخ تشیع در ایران (تا قرن دهم هجری)، ۲جلدی، قم: انتشارات انصاریان، چاپ اول: ۱۳۷۵ش.
۱۶. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم: ۱۳۸۵ ش.
۱۷. حسین، مونس، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۵ش.
۱۸. حرعاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداء و النصوص و المعجزات، بیروت: اعلمی، چاپ اول: ۱۴۲۵ق.
۱۹. حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۰. خزعلی، ابوالقاسم، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، قم: مؤسسه ولی العصر، ۱۴۲۴ق.
۲۱. رضائی آدریانی، محمد، انسان‌شناسی و مهدویت، همین ناشر، بزودی.

۲۲. _____ ، سلمان فارسی الگوی زندگی مهدوی، قم: مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول: ۱۳۹۲.
۲۳. سلیمیان، خدامراد درسنامه مهدویت، قم: مرکز تخصص مهدویت، چاپ سوم: ۱۳۸۷.
۲۴. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد، مصر: مؤسسه قرطبه.
۲۵. صفائی حائری، علی، درس‌هایی از انقلاب، ليله القدر، ۱۳۸۶.
۲۶. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم: ۱۴۱۷ ق.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: مرتضی، چاپ اول: ۱۴۰۳ ق.
۲۸. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من السیره النبوی الاعظم، قم: دارالحديث، چاپ اول: ۱۴۲۶ ق.
۲۹. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، المزار، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام العسکری أبي محمد الحسن بن علی علیه السلام، بیروت: دار الصفوه.
۳۱. عکبری، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول: ۱۴۱۳ ق.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت: اعلمی، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲.
۳۶. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۳۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، تهران: اسلامیه، چاپ دوم: ۱۳۶۳ ش.
۳۸. موسوی همدانی، سید محمدباقر، *ترجمه المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم: ۱۳۷۴ ش.
۳۹. مهیار، رضا، *فرهنگ ابجدی*، ترجمه کامل المنجد ابجدی، بی‌جا، بی‌تا.
۴۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۴۱. واقدی، ابن سعد، *الطبقات کبری*، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۱۸ ق.
۴۲. یزدی، محمد کاظم، *عروة الوثقی*، تصحیح: احمد محسنی سبزواری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول: ۱۴۱۹ ق.

ب) نرم افزارها

۱. آخرین ذخیره، گروه فرهنگی هنری بشارت.
۲. *درايه النور*، نسخه ۱/۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۳. *جامع التفاسیر*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۴. *جامع الفقه اهل بیت علیهم السلام*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۵. *سیره معصومان علیهم السلام*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۶. *گنجینه روایات نور*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۷. *نور الجنان*، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۸. *نور السیره* (جامع منابع تاریخ اسلام)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۹. مکتبه الشامله، مؤسسه المکتبه الشامله .

ج) سایتها

۱. دائره المعارف اينترنتی ویکی پدیا، به نشانی www.wikipedia.org

سوالات مسابقه کتابخوانی نیم ربیع الاول

الف. در فرهنگ روایی شیعه در بین چهار عید مهم کدام یک از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

- (۱) عید قربان
(۲) عید فطر
(۳) عید غدیر
(۴) جمعه

ب. مهم ترین ملاک و معیار شناخت امام راستین برای شیعیان، چه چیزی بوده است؟

- (۱) آزمایش و مطالبه ی علم غیب و معجزه
(۲) شجاعت و دلیری
(۳) زهد و تقوا
(۴) پیراستگی از عیوب جسمی و روحی

ج. امام مهدی علیه السلام در چند سالگی به امامت رسیدند؟

- (۱) پنج
(۲) هفت سالگی
(۳) نه سالگی
(۴) ده سالگی

د. عثمان بن سعید، نائب اول امام مهدی علیه السلام به چه شغلی مشغول بود و مرکز نیابت او به کجا

منتقل گشت؟

- (۱) روغن فروشی - سامرا
(۲) خرما فروشی - سامرا
(۳) روغن فروشی - بغداد
(۴) خرما فروشی - بغداد

ذ. بنابر روایات، مونس غربت و تنهایی امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت چه کسی است؟

- (۱) حضرت داوود علیه السلام
(۲) حضرت عیسی علیه السلام
(۳) حضرت ادریس علیه السلام
(۴) حضرت خضر علیه السلام

ر. عثمان بن سعید محضر چند امام را درک و به ایشان خدمت کرده است؟

- (۱) یک - امام مهدی علیه السلام
(۲) دو - امام حسن عسکری و امام مهدی علیهما السلام
(۳) سه - امام هادی، امام حسن عسکری و امام مهدی علیهم السلام
(۴) چهار - امام جواد، امام هادی، امام حسن عسکری و امام مهدی علیهم السلام

ز. پایه گذار شهر شیعی قم چه کسی بوده است؟

- (۱) احمد بن اسحاق قمی
(۲) محمد بن عثمان
(۳) عثمان بن سعید
(۴) حسین بن روح نوبختی

س. کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) حکیمه خاتون دختر امام هادی علیهما السلام بود
- (۲) حکیمه خاتون خواهر امام جواد علیهما السلام بود
- (۳) حکیمه خاتون خواهر امام هادی علیهما السلام بود
- (۴) حکیمه خاتون خواهر امام حسن عسکری علیهما السلام بود.

ش. بنابر فرمایش امیرالمومنین علیه السلام پاداش یک درهم صدقه در روز عید غدیر برابر با چند درهم

است؟

- (۱) ده هزار درهم
- (۲) صد هزار درهم
- (۳) دویست هزار درهم
- (۴) سیصد هزار درهم

ل. مؤمنان در عیدهایی مانند عید غدیر، مبعث و نهم ربیع الأول شادی خود را چگونه نشان می دهند؟

- (۱) اهتمام به حقوقی ایمانی
- (۲) آرایش و پیرایش ظاهر و باطن
- (۳) بجا آوردن سجده و نماز شکر
- (۴) صدقه دادن به نیابت از آن امام معصوم

ه. دوران امامت امامان تا شهادت امام حسن عسکری و آغاز امامت امام مهدی علیهم السلام چند سال

بوده است؟

- (۱) صد و پنجاه سال
- (۲) دویست سال
- (۳) دویست و پنجاه سال
- (۴) سیصد سال

ی. امام مهدی علیه السلام درباره کدام دعا یا زیارت فرمودند:

«إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَ إِيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ...»

- (۱) زیارت سرداب مقدس
- (۲) دعای عهد
- (۳) دعای ندبه
- (۴) زیارت آل یاسین

لطفا پاسخ های صحیح را به صورت یک عدد ۱۲ رقمی به سامانه ۳۰۰۰۱۳۶۶ پیامک نمایید.